کتابخانه ایران شهر نوفر
Iranian Library
1986

کار

ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت)

دوره دوم ـ سال اول ـ شماره ۱

اول اسفند ماه ۱۳۶۲ ـ ۱۲ صفحه ـ ۴۰ ریال

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

کارگران همه کشورها متحد شوید!

"با ایمان به پیروزی راهمان"

برافراشته باد کار پرچم مبارزهٔ انقلابی طبقهٔ کارگر وهمهٔ مردم زحمتکش ایران

در آستانهٔ سال جدید، نشریهٔ "کار" ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بعد از دو سال وقفه، بار دیگر حیات انقلابی خود را آغاز میکند و انتشار نشریهٔ "کار" نویدی است، امید بخش برای همهٔ انقلابیون راستین خلق در سال نو.

فرا رسیدن سال جدید را به نیروهای مترقی و انقلابی و به همه مردم ایران تبریک می گوئیم و امیدواریم نشریهٔ کار، این پرچم مبارزهٔ انقلابی زحمتکشان ایران، در سال نو وهمهٔ سالهای مبارزهٔ انقلابی مردم بتواند همچنان سلاح نیرومند طبقه کارگر، سازمانگر مبارزه انقلابی و زبان گویا و حق جوی توده های وسیع خلق ما باشد.

دورهٔ دوم نشریهٔ کار درست زمانی آغاز میشود که حدود ۵ سال از انتشار اولین شمارهٔ آن (۱۹ اسفندماه ۱۳۵۷) ودوسال از توقیف آن می گذرد. نشریهٔ "کار" دو سال پیش در روز ۱۱ اسفند ۱۳۶۰ به حکم دادستان "انقلاب اسلامی" مرکز توقیف گردید. مقامات دادستانی علت توقیف "کار" رادرج مقالات و مطالبی در اعتراض به اعدامهای

بقیه درصفحه ۲

جمهوری اسلامی در سالی که گذشت

امروز در پایان پنجمین سال پیروزی انقلاب و آستانهٔ آغاز سال نو، دربازنگری کارنامه یکساله جمهوری اسلامی، برجسته‌تر از هر چیز رشتهٔ همپیوسته‌ای از سیاهکاریهائی را می بینیم که مدام شدت بیشتری می یابند. نگاهی هرچند کوتاه، به حرکت و کارنامهٔ جمهوری اسلامی، درپنجمین سال حیات آن، پیوستگی و سمت یگانه ومنطق اقدامات حکومت را که متضاد با آماجهای انقلاب بهمن و آرمانهای مردم ایرانست، به روشنی نشان میدهد.

دفاع از غارتگری سرمایه داری وبزرگ مالکی

پنجمین سال انقلاب، سالی که میبایست با تلاشهای گسترده برای تحقق آماجهای اساسی انقلاب بهمن آغاز شود، بارد لایحه اصلاحات ارضی و زیرپا گذاشتن آشکار خواست اساسی توده‌ٔ دهقانان زحمتکش، این پرشمارترین نیروی اجتماعی محروم کشور ما آغاز شد. درست در آستانهٔ آغاز پنجمین سال انقلاب بهمن این لایحهٔ هفت بارآبکشیده در "شورای نگهبان" رد شد. و آیت الله خمینی هم، از شورای نگهبان که لایحهٔ اصلاحات ارضی را خلاف شرع اعلام کرد، پشتیبانی نموده پس از آن تصریح کرد که مجلس نباید مصوباتی داشته باشد که شورای نگهبان با آن مخالف باشد.

پس از رد لایحه اصلاحات ارضی و در طول سال گذشته، پایمال کردن حقوق و خواست دهقانان محروم، مدام شدت بیشتری یافته است. بازپس گرفتن زمینهای مصادره‌ای و یا از پیش تقسیم شده و انتقال این زمینها، به بزرگ مالکان به جریان مشخص تری تبدیل شده است.

بقیه درصفحه ۶

"انتخابات آزاد" یا تحمیل مجلس تجار

اعلامیه مشترک کمیته مرکزی حزب توده‌ٔ ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران درباره انتخابات دومین دوره مجلس شورای اسلامی انتشار یافت. اعلامیه پیرامون نقشه های حکومت در موردانتخابات میگوید: "رژیم خود را آماده میسازد تابا حربه ارعاب و تهدید، با سوء استفاده از اعتقادات پاک مذهبی و با توسل به تقلب و تعویض صندوقهای انتخاباتی به فهرست تحمیلی و انتصابی رنگ انتخابی بزند." در اعلامیه در مورد خفقان و ترور حاکم بر کشور آمده است: "خفقان و ترور برمیهن ما سایه افکنده، ارگانهای سرکوبگریکه تار میدان اند، قلمها را شکسته و زبان ها را بسته اند. دهها هزار توده ای و فدائی و مجاهد، مبارزین واقعی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در سیاهچالهای رژیم تحت شکنجه های وحشیانه جسمی و روحی قراردارند." اعلامیه از مردم دعوت میکند: "به فهرست نامزدهای ارائه شده از طرف نهادهای وابسته به حکام جمهوری اسلامی وسازمانهای مربوط به آنها رای مخالف بدهید".

* * *

رهبران جمهوری اسلامی ادعا میکنند که

بقیه درصفحه ۸

اعلامیهٔ مشترک

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران و
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دربارهٔ انتخابات دورهٔ دوم مجلس شورای اسلامی

درصفحه ۳

تلگرام تبریک

به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

رفقای گرامی!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران، انتخاب رفیق کنستانتین استینوویچ چرنکو کمونیست برجسته و شخصیت نامدار حزب لنین را به مقام دبیرکلی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی صمیمانه تبریک میگوید.

مبارزه در راه تامین صلح جهانی و استحکام جامعه ملل سوسیالیستی و تقویت پایه اقتصادی و قوای دفاعی میهن لنین کبیر و بهبود دائمی زندگی مردم اتحاد شوروی، اشاعه و گسترش خلاقانهٔ افکار و اندیشه های تابناک مارکسیسم ـ لنینیسم و تقویت نقش حزب در زندگی مردم شوروی، بیانگر کارنامه درخشان رفیق کنستانتین چرنکو است.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران آرزو و اطمینان دارد که حزب کمونیستها و تمام خلق شوروی تحت رهبری رفیق کنستانتین استینوویچ چرنکو به موفقیتهای بازهم بزرگتری دست می یابد.

کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲۵ بهمن ماه ۱۳۶۲

در این شماره:

پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
بمناسبت برگزاری موفقیت آمیز هیجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران
درصفحه ۱۲

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران
بمناسبت سیزدهمین سالگرد بنیان گزاری سازمان فدائیان خلق ایران
درصفحه ۱۱

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
احکام جنایتکارانه علیه افسران میهن پرست را محکوم می کنیم!
درصفحه ۱۰

تلگرام تسلیت کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
بمناسبت درگذشت رفیق یوری ولادیمیرویچ آندرویف
درصفحه ۱۲

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
بمناسبت ۸ مارس (۱۷ اسفند) روزهمبستگی بین المللی زنان
درصفحه ۵

فدائیان خلق و مسئلهٔ فعالیت انقلابی پرسنل نیروهای مسلح

درصفحه ۴

جنگ را قطع کنید، مردم صلح می خواهند

"با ایمان به پیروزی راهمان"

بقیه از صفحه ۱

جنایتکارانه و ددمنشانه در اوین اعلام کردند. اما این فقط، گوشه ای ازحقیقت بود. نشریه‌ٔ کار در عرض سه سال عمر خود با شهامت و شجاعت مشت دوستان دروغین خلق را باز کرد و خلق را به اتحاد برای دفاع از دستاوردهای انقلاب و گسترش آنها فرا میخواند. این کارنامه‌ٔ درخشان وشورانگیز "کار" بود که راه آنرا به خانه زحمتکشان باز وباز تر میکرد و خشم ونفرت دوستان دروغین خلق و دشمنان سوگندخورده آن را بر می انگیخت.

ما خوب میدانستیم که افشای بی پرده‌ٔ امپراتنظام ها، قطب زاده ها، مدنی ها، شریعتمداریها، مقدم مراغه ای ها و باز کردن مشت توکلی ها، عسگراولادی ها ودیگر مرتجعین راستگرا اعم از روحانی و غیر ـ روحانی، مبارزه پیگیر علیه اقدامات جلادانه ای که از سال ۶۰ به بعد در اوین انجام شده است، رهبران جمهوری اسلامی را علیه "کار" و علیه هستی انقلابی سازمان ما برمیانگیزد. ما میدانستیم که معرفی سوسیالیسم بمثابه یگانه راه رهائی از چنگال همه‌ٔ دردها ازسوی محافل امپریالیستی و عمال داخلیش و سرمایه داری غارتگر بی پاسخ نخواهد ماند.

"نامه‌ٔ مردم" ارگان کمیته‌ٔ مرکزی حزب توده‌ٔ ایران نیز ماهها قبل از "کار"، حکم توقیف گرفته بود. توقیف مردم نیز فقط به دلیل دفاع از استقلال کشور، دفاع از آزادیهای مردمی، مبارزه درراه عدالت اجتماعی و دفاع از منافع کارگران و دهقانان بوده است.

توقیف "نامه‌ٔ مردم" و نشریه‌ٔ "کار" و تمام رویدادهای بعدی، که تا امروز نیز ادامه یافته است، همگی نشان داده اندکه آنچه دشمنی راستگرایان و سرکوبگران راعلیه ما برانگیخته است، خدمات مادقانه‌ٔ ما به خلق و انقلاب و هراس آنان از عملکردانقلابی و قدرت آگاهگر و جریان ساز و توده گیر "کار" و "مردم" بوده است. رهبران جمهوری برای متوقف کردن انقلاب وبرگرداندن جهت آن می بایست پیشاهنگ طبقه کارگر ایران، فدائیان و توده ایها را مورد هجوم قرار میدادند. مگر نه اینکه آنها در این انقلاب خاکریز اول اند؟

حدود یکسال قبل از توقیف کار، زمانی که اطلاعیه ۱۰ ماده ای دادستانی کل "انقلاب اسلامی" انتشار یافت، ما با قاطعیت از آن استقبال کردیم. صدور این اطلاعیه یک اقدام مفید بود. اما قابل ذکر است که رهبری سازمان بر اساس مجموعه شناخت خود از ترکیب و تناسب نیروها در حاکمیت، بر این عقیده بود که بحران درونی حکومت و موقعیت خاص آن زمان، این حد از حقوق و آزادیهای سیاسی را برای مدافعان انقلاب فراهم کرده است. مفاد اطلاعیه ۱۰ ماده ای، در حقیقت حاوی برداشت مشبتی از قانون اساسی وبسیار فراتر از لایحه‌ٔ احزاب بود. تعهدات مندرج در این اطلاعیه در عین حال، یک شکست برای نیروهای دست راستی و سرکوبگر و یک پیروزی برای نیروهای مدافع انقلاب بود. به همین لحاظ احساس مسئولیت انقلابی و وفاداری به آرمانهای انقلاب ایجاب میکرد که:

اولا ـ با تمام نیرو وصادقانه درجهت تثبیت این پیروزی و گسترش آن مبارزه شود.

ثانیا ـ از این شرایط برای گسترش پیوند نیروهای مدافع انقلاب با توده های وسیع خلق، حداکثر استفاده به عمل آید.

ثالثا ـ این احتمال نیز دقیقا درنظر گرفته شود که فردا با تغییر شرایط ممکن است حکومت تمام یا بخشی از تعهدات خود را که در اطلاعیه ده ماده ای اعلام داشته است، پس بگیرد و لگدمال کند میبایدبرای چنین شرایطی کاملا آماده بود.

این جمعبندی، در عین حال با تحلیل عمومی سازمان در روند بغرنج انقلاب و خط مشی مبتنی بر آن سازگار بود. امید به پیشرفت انقلاب، که در آن زمان هنوز قابل اتکاء بود و نیازهای مبارزه در این راه از یک سو و از سوی دیگر خطر توقف و برگشت انقلاب، که آن هم بطور جدی درهمان زمان هم مطرح بود، و ملاحظات ودوراندیشی ـ های سیاسی و سازمانی، در آن واحد، دربرابر یکدیگر قرار داشتند. سازمان می بایست در آن واحد هر دوی این احتمالات را در نظر میگرفت.

زمینه های عینی و ذهنی معینی، امید به پیشرفت انقلاب، در حد اجرای اصول مترقی قانون اساسی را تقویت میکرد. مسئولیت انقلابی و جهت گیری انقلابی، تقویت هر چه بیشتر این زمینه ها را ایجاب میکرد.

تاکتیک انقلابی، یعنی اشکال مبارزه و اشکال سازمانی می بایست در خدمت همین جهتگیری قرار میگرفت. درچنان موقعیتی اشکال قانونی مبارزه نه تنها امکان پذیر، بلکه مطلقا ضروری بود. این شکل از مبارزه میبایست اساس کار همه‌ٔ سازمانها و احزاب مدافع انقلاب قرار میگرفت. در عین حال دوراندیشی انقلابی حکم میکرد که خطرتغییر اوضاع و دگرگونی سیاست حاکم بر کشوردقیقا محاسبه شود و آمادگیهای لازم از هرجهت، برای ادامه‌ٔ فعالیت انقلابی و دفاع از دستاوردهای انقلاب، تا هر حد ممکن تدارک دیده شود. تلفیق صحیح این دو وظیفه امری بسیار بغرنج و بسیار دشوار بود. این تلفیق بطور کلی همان تلفیق دو شکل مبارزه علنی و مخفی است. دو شکلی که تلفیق آن برای ما انقلابیون، تا پیروزی قطعی و بازگشت ناپذیر انقلاب همواره مطرح است. اما در آن شرایط خاص تلفیق این دووظیفه عمدتا از وجود دو آینده متضاد برای انقلاب و کشور ناشی می شد. بهمین دلیل تلفیق صحیح این دو وظیفه نه تنها اهمیت تاکتیکی فوق العاده ای داشت، بلکه اساسا"، دارای اهمیت استراتژیکی بود.

سازمان ما در تدوین خط مشی خود بر اساس "اتحاد و مبارزه" با بغرنجیها و دشواریهای بسیار جدی مواجه بود. سازمان از یکطرف با پیگیری تمام به کار فعال در میان توده زحمتکشان و جلب آنان به صفوف سازمان و تقویت پیوند با آنان میپرداخت ـ کاری که حساسیت ها، مخالفت ها و اقدامات حادی از طرف حکومت و ضدانقلاب را برمی ـ انگیخت ـ و از طرف دیگر با پیگیری و استواری به حمایت خود ازنیروهای ضدامپریالیستی ومردمی حاکمیت ادامه می‌داد. سازمان از یک طرف در همه جا برنامه و سیاست طبقه کارگر را تبلیغ و ترویج میکرد، امری که مخالفت و حساسیت و حتی دشمنی حاد نیروهای حاکم را برمی انگیخت وازطرف دیگر با پیگیری و استواری از مواد ترقیخواهانه‌ٔ قانون اساسی دفاع میکرد. سازمان، نه از کار توده ای و جلب توده ها به طرف خود دست کشید، نه سازمان را منحل کرد، نه از پشتیبانی از دیگر مدافعان انقلاب و مواضع ترقیخواهانه آنان صرفنظر کرد و نه در هیچ مورد ازبرنامه سازمان به نفع برنامه‌ٔ عمل دیگر نیروهای اجتماعی (حتی انقلابی) دست شست. در مسائل تاکتیکی نیز سازمان با حداکثر انعطاف پذیری تلاش کرد از عهده‌ٔ حل انبوه دشواریها برآید.

حکومت جمهوری اسلامی، به تعهدات خود که در اطلاعیه ده ماده ای آن را اعلام کرده بود، وفادار نماند. نه تنها طولی نکشید که بحث آزاد تلویزیونی، حق برگزاری اجتماعات و تظاهرات، حق داشتن دفاتر و مراکز علنی و حق انتشار رسمی "کار" ازسوی حکومت لغو شد، بلکه بطور آشکار شناسائی و اخراج و تصفیه اعضا و هواداران سازمان و در مرحله بعد پیگرد و بازداشت اعضاء و هواداران و سرانجام زندان و شکنجه آنان شروع شد.

توقف انتشار "کار"، هرگز نتوانست کار تبلیغ و ترویج سازمان را متوقف کند. "بولتن" بلافاصله جای خالی "کار" را تا حد ممکن پر کرد. روش بینانه حکومت این روش بینانه بینی ما را ایجاب میکرد.

اکنون جمهوری اسلامی مدتهاست که به شیوه های سرکوبگرانه و به خشن ترین شکل ممکن تمام تعهدات خود در اطلاعیه ده ماده‌ای را لگدمال کرده و نیروهای مترقی وانقلابی را مورد وحشیانه ترین هجوم ها قرار داده است. حکومت بدنبال فجایعی که در مورد حزب توده ایران مرتکب شد، اخیرا توطئه ـ های جدیدی را علیه سازمان، تدارک دیده است. دادستان دادگاه شرع ارتش طی مصاحبه ای، با طرح عضویت افراد نظامی در سازمان ما گفته است که سازمان از سوی مقامات جمهوری غیرقانونی اعلام خواهدشدو اعضای سازمان میبایست خود را به مقامات مربوطه معرفی کنند! این پرونده سازی ها تنها بخاطر انحلال یکی دیگر از استوارترین سنگرهای انقلاب است.

حکومت با این راهی که در پیش گرفته است، فقط یک راه در مقابل مردم قرارداده است. باید سازمانهای سیاسی خود را هرچه محکمتر کنیم و نگذاریم حکومت بر انقلابیون کار آزموده و پرتجربه ضربه وارد آورد و چهارچوب تشکل انقلابی را درهم بشکند.

سازمان فدائیان در طی ۱۳ سال حیات انقلابی خود در این عرصه تجارب بسیار گرانقدری آموخته است، امروز همه فدائیان باید برای بکارگیری این تجارب بسیج شوند. باید برای کار توده ای در شرایط تعقیب و پیگرد پلیسی همه این تجارب و تجارب تازه تر را بکار گیرند. باید سازمان رابا تمام نیرو و به هر شکل ممکن حفظ کرد، باید این شرایط سخت را دید و برای رودرروئی با آن آماده بود. باید "کار"، این پرچم مبارزه‌ٔ انقلابی و این صدای هدایتگر توده مردم زحمتکش میهن را بلند کرد و دشواریهای کار را بجان خرید. البته دشمنان طبقه کارگر و توده مردم زحمتکش هرگز در برابر اقدام انقلابی ما ساکت نخواهند نشست. آنها تلاش خواهند کرد، تا ما را با پیگردها و فشارهای خشن و کینه ـ توزانه از ادامه راه بازدارند. سازمان را فلج کنند و صدای آنرا ببرند. آنهانخواهند گذاشت ما با سهولت و سادگی حقایق را با مردم خویش در میان بگذاریم. ما نیز آرام نخواهیم نشست. ما با چنگ و دندان، با گذشتن همه هستی مان، با گذشتن از جان در این راه آماده‌ٔ انجام تمام وظائف انقلابی مان هستیم. همانطوریکه دیروز بوده ایم، همانطور که فردا خواهیم بود. تغییر شرایط تنها اشکال مبارزه را تغییر میدهد. هدف و راه همچنان استوار بجای خود باقی است. دیروز "کار" می توانست هر هفته به شکل خبری ـ تبلیغی پیام ما را به گوش خلق برساند. امروز که این شرایط فراهم نیست، انتقال اخبار و تبلیغ سیاست و مواضع سازمان بر عهده‌ٔ هریک از هزاران رزمنده فدائی قرار می گیرد. امروز "ارگان کمیته مرکزی" تنها می تواند ماهانه منتشر شود و عمدتا وظیفه تبیین خط مشی و تحلیل مهمترین رویدادهای جاری کشور را بر عهده می گیرد. امروز وظیفه انتشار اخبار و تبلیغ سیاست، مواضع و برنامه سازمان، بر عهده هزاران رزمنده‌ٔ فدائی و دیگر تریبونهای تبلیغی است.

بقیه در صفحه ۹

کار
ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
اسفند ماه ۱۳۶۲ - دوره دوم
سال اول - شماره ۱ - صفحه ۳

اعلامیهٔ مشترک

کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دربارهٔ انتخابات دورهٔ دوم مجلس شورای اسلامی

مردم مبارز ایران!

انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی در شرایطی برگزار می شود، که خفقان و ترور بر میهن ما سایه افکنده. ارگان های سرکوبگر یکه تاز میدان اند، قلم ها را شکسته و زبان ها را بسته اند، دهها هزار توده ای و فدائی و مجاهد - مبارز واقعی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در سیاهچالهای رژیم تحت شکنجه های وحشیانه جسمی وروحی قرار دارند و روزی نیست که احکام جائرانه زندانهای درازمدت وبااعدام میهن دوستان اعلام نگردد.

انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی به هنگامی برگزار می شود، که طبقه کارگر از ابتدائیترین حقوق محروم است، کارگران گروه - گروه از کارخانه ها اخراج میشوند، بیکاری فراگیر میلیونها زحمتکش، زنان و فرزندان آنان را با گرسنگی و دربدری وفقر و مسکنت بیسابقه روبرو ساخته است، دهقانان کم زمین و بی زمین از هستی ساقط شده چاره ای جز مهاجرت به شهرهای بزرگ ندارند، دولت بجای اصلاحات ارضی رادیکال بزرگ مالکان را دوباره بر جان و مال و ناموس روستائیان مسلط میسازد، زمین های تقسیم شده بین دهقانان را از صاحبان اصلی پس گرفته و به بزرگ مالکان تحویل میدهند، زندانها پر از دهقانان خواهان پایان دادن به سلطهٔ اربابان است، دهها هزار کارمند دانشجوی دگراندیش از ادارات دولتی و دانشگاهها اخراج شده اند، کسبه وافزارمندان تحت فشار روزافزون قرار دارند.

انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی در شرایطی برگزار میشود، که سران جمهوری اسلامی کلان سرمایه داران وابسته را به بازگشت دعوت می کنند و نظام سرمایه داری وابسته را با تمام پیامدهای مخرب آن احیا می نمایند، سیاست "دروازه های باز" رادر پیش گرفته وبا افزایش سریع واردات کالاهای مصرفی و محصولات کشاورزی، صنایع وکشاورزی را دچار بحران ساخته و به سوی ورشکستگی سوق میدهند، اقتصاد ایران به عرصه تاخت وتاز انحصارهای امپریالیستی تبدیل شده و خرید تجهیزات نظامی از اسرائیل، کره جنوبی و ایالات متحده امریکا به اشکال مختلف ادامه دارد.

حکام جمهوری اسلامی، که بعد از پیروزی انقلاب وعده احقاق حقوق محرومین را میدادند و از استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی سخن می گفتند و استقرار نظام "قسط اسلامی" را وظیفه عاجل نخستین دوره مجلس شورای اسلامی می شمردند و به توده های محروم وعده می دادند، چه ارمغانی برای زحمتکشان آورده اند؟ در حالی که فقر وبیکاری و بی خانمانی، تورم و گرانی و احتکار، ظلم و جور استبدادی، فساد و رشوه خواری ودزدی بیت المال گسترش می یابد، مشتی کلان سرمایه دار بازاری، که رهبران جمهوری اسلامی آنها را "ستون انقلاب" می نامند، تنها کسانی هستند که از انقلاب بهره می برند.

هیئت حاکمه، که زمانی امپریالیسم تجاوزکار امریکا را دشمن شماره یک مردم ایران معرفی می کرد، اینک با چرخش به راست به تبعیت از سیاست کمونیسم ستیزی دولت رونالد ریگان، عملا در جبهه واحدی شوروی ستیزی را دنبال می کند و موجبات بزرگی روابط بین دو کشور همسایه را فراهم آورده است.

دولت و مجلس تحت کنترل حزب حاکم - حزب جمهوری اسلامی بزرگترین مسلبین ادامه جنگ خانمان سوز و بی حاصلند، که تاکنون صدها هزار فرزندان کارگران و دهقانان را به نابودی کشیده و یا علیل و مجروح تحویل جامعه داده است. رهبران جمهوری اسلامی که مصممند کرسی های نمایندگان واقعی مردم را در انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی در اختیار کلان سرمایه داران و مالکان بزرگ و صاحبان مستغلات قرار دهند، مبتکرین اصلی شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" اند، زیرا ادامه جنگ هم منبع سود سرشار برای صاحبان ثروت وهم منبع درآمد نامشروع برای گردانندگان اهرمهای مملکتی از طریق رد وبندهای پشت پرده با قاچاقچیان و انحصارهای بین المللی فروشندگان اسلحه است.

خواهران و برادران!

رژیم پس از غیرقانونی کردن فعالیت همه احزاب ملی و مترقی و ضدامپریالیستی و از آنجمله حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان مجاهدین خلق ایران و دیگر سازمانهای انقلابی، خود را آماده میسازد تا با حربه ارعاب وتهدید، با سوء استفاده از اعتقادات پاک مذهبی و با توسل به تقلب و تعویض صندوقهای انتخاباتی به فهرست تحمیلی و انتصابی رنگ انتخابی برند.

با درنظر گرفتن مجموعه این عوامل، کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مشترکا به این نتیجه رسیدند، که برای اعتراض به ترور و اختناق حاکم بر کشور و پایمال شدن ابتدائی ترین حقوق وآزادیهای دمکراتیک از زحمتکشان دعوت کنند به فهرست نامزدهای ارائه شده از طرف نهادهای وابسته به حکام ج.ا. وسازمانهای مربوط به آنها رای مخالف دهند.

دادن رای مخالف به فهرست نامزدهای معرفی شده از طرف نهادهای وابسته به حکام ج.ا. به معنای نفی سیاست های ارتجاعی جمهوری اسلامی، به معنای پایان دادن به جنگ ایران و عراق و جنگ برادرکشی در کردستان، به معنای خواست آزادی دهها هزار انسان بیگناه دربند، به معنای پایان دادن به محاکمات فرمایشی و اعدام میهن دوستان، به معنای طرد عمال امپریالیسم و ارتجاع از حاکمیت وبالاخره رد از پیش قوانین ارتجاعی و ضدمردمی است، که در دوره دوم مجلس شورای اسلامی در صدد تدوین و تکمیل آنند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بهمن ماه ۱۳۶۲

با جمع آوری کمک های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید.

استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی

فدائیان خلق و مسئلهٔ فعالیت انقلابی پرسنل نیروهای مسلح

محمد ری شهری دادستان دادگاه شرع ارتش، در مصاحبه روز اول بهمن ماه ضمن اعلام اینکه، بزودی ۳۰ نفر از افراد نظامی به اتهام عضویت در "تشکیلات نظامی مخفی وابسته به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) محاکمه میشوند اظهار داشت:

"همین کافی است که این سازمان غیر قانونی اعلام بشود. و اینجا عرض می کنم که لازم است کسانی که با این سازمان همکاری دارند پس از اینکه مسئولین مملکتی اعلام کردند، خودشان را بیابند معرفی کنند."

در مقابل این موضع گستاخانه مقامات دولتی، کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران نظر به اهمیت مسئله اطلاعیه‌ای منتشر ساخت و با افشای توطئه خائنانه علیه فدائیان از همه هم میهنان و از مردم سراسر جهان درخواست کرده است:

"صدای خود را علیه سرکوب و شکنجه و اعدام بلند کنید. از سازمانهای انقلابی و مترقی و زندانیان سیاسی دفاع نمائید و اقدامات جدید سرکوبگرانه رژیم را علیه سازمان فدائیان خلق ایران افشاء ومحکوم سازید".

مسئله قابل توجه و بسیار خطرناک در این یورش سرکوبگرانه جدید آنست که مقامات حکومتی درست مطابق خواست عوامل امپریالیسم و ضدانقلاب دروغهای بیشرمانه تازه تری را برای توجیه توطئه ضدانقلابی، ضدقانونی و ضددمکراتیک خود علم کرده‌اند. از این رو افشای این توطئه و توضیح مجدد سیاست سازمان در مورد فعالیت انقلابی پرسنل نیروهای مسلح واجد فوریت و اهمیت خاصی است.

* * *

مروری بر مواضع ما

فدائیان خلق ایران نه امروز، نه دیروز و نه در هیچ دوره‌ای نه تنها معتقد به عدم مشارکت افسران و درجه‌داران و سربازان در فعالیتهای سیاسی و انقلابی نبوده اند، بلکه همواره صراحتا اعلام کرده اند که مصالح کشور و انقلاب ایجاب میکند که ارتش، سپاه و دیگر ارگانهای مسلح هرچه بیشتر با نیروهای واقعا انقلابی تجهیز شوند و در زندگی سیاسی کشور فعالانه شرکت جویند. طرح برنامه سازمان که در خردادماه ۱۳۶۱ انتشار یافته است با صراحت و روشنی این اصل را جزء "اهم وظائف دفاع از استقلال سیاسی کشور" (طرح برنامه ص ۱۹) اعلام کرده و تاکید میکند:

"تقویت نیروهای مسلح مردمی قبل از همه مستلزم آنست که دستگاه فرماندهی نیروهای مسلح بدون تنگ نظری با افسرانی تجهیز شوند که ایمان انقلابی و وفاداری به خلق در وجودشان تنیده است. بدین منظور باید افراد نیروهای مسلح در زندگی سیاسی کشور برای پیشبرد انقلاب فعالانه شرکت جویند. دفاع از میهن انقلابی حق و وظیفه همه نیروهای مردمی است. همه نیروهای مردمی باید از این حق برخوردار و این وظیفه را به شایستگی باسخگو باشند." (طرح برنامه ص ۲۰).

این برنامه - که اساسی ترین سند سازمان ماست - با اجازه رسمی دولت در دو نوبت در تیراژ ۶۰۰۰۰ نسخه در سراسر کشور پخش شده و برای تمام مقامات و نهادهای حکومتی هم ارسال شد. تبلیغات و فعالیت عملی سازمان فدائیان خلق ایران نیز همواره متوجه اجرای همین برنامه بوده است. همه مردم بخاطر دارند که سربازان، درجه‌داران، افسران و همافران هوادار سازمان در جریان انقلاب بهمن چه نقش موثری در پیروزی انقلاب ایفاء کرده‌اند. پس از پیروزی ۲۲ بهمن نیز هواداران سازمان در نیروهای مسلح نقش کلی انکارناپذیر در پاکسازی ارتش از تیمسارها و دیگر مزدوران رژیم امریکائی شاه داشته‌اند. در خنثی سازی توطئه های کودتائی ضدانقلاب بازهم نقش ما برجسته بوده است. و ازهمه مهمتر، سهم و نقشی است که فدائیان خلق در صفوف نیروهای مسلح در جنگ مقاومت علیه تجاوز امریکائی رژیم عراق برعهده داشته‌اند. صدها نفر از اعضا و هواداران سازمان ما در راه بیرون راندن متجاوزان از خاک میهنمان، جان خود را از دست داده و یا مجروح و ناقص العضو شده اند. تمام فعالیت ارتشیان انقلابی و میهن پرست هوادار فدائیان خلق متوجه پرورش و اشاعه روحیه میهن پرستی انقلابی و آگاهی انقلابی در ارتش، افشای ضدانقلاب و عناصر خائن در ارتش و انجام وظایف میهن پرستانه بوده است. ما امروز، دیروز وفردا و همیشه، نه تنها از این فعالیت ارتشیان انقلابی دفاع کرده ایم، میکنیم و خواهیم کرد بلکه به توده هواداران سازمان، به ویژه جوانان و به همه نیروهای اصل انقلابی تاکید کرده ایم که تقویت فعالیت انقلابی پرسنل نیروهای مسلح از اهمیت کاملا ویژه‌ای برخوردار است. باید تلاشهای ارتجاعی برای تهی و محروم کردن ارتش از عناصر مترقی و میهن پرست را به هرشکل ممکن، تا هر حد ممکن خنثی کرد.

بدین ترتیب ملاحظه میشود که نقش و سیاست و برنامه سازمان فدائیان خلق در زمینه فعالیت انقلابی نیروهای مسلح - چه در زمان شاه و چه در جمهوری اسلامی ایران - و تلاش برای گسترش این نقش نه یک مسئله پنهانی و اعلام نشده بوده است، و نه سازمان از دفاع از این نقش و وظیفه و پیگیری در ایفاء و گسترش آن لحظه‌ای درنگ کرده است. سازمان فدائیان خلق ایران همواره نه تنها تلاش برای تصفیه و سرکوب عناصر مردمی و میهن پرست در صفوف نیروهای مسلح را تلاشی "ضدانقلابی" در بهترین حالت "تنگنظرانه" توصیف و با آن صراحتا مخالفت کرده است، بلکه همواره نظر به اهمیت مسئله کوشیده است و خواهد کوشید که مدافعان راستین مردم و میهن در صفوف نیروهای مسلح به هر شکل ممکن حفظ و تقویت شوند.

دادستان دادگاه شرع ارتش دروغ می گوید

درست در بحبوحه اوضاع بحرانی کشور در سال ۶۰، از سوی آیت الله خمینی حکمی در جهت خلاف این سیاست و خط مشی انقلابی سازمان فدائیان خلق ایران صادر شد. ایشان نظامیان را از عضویت در احزاب و سازمانهای سیاسی منع کردو تاکید کرد نظامیان باید یا عضویت در ارتش و یا عضویت در احزاب و سازمانهای سیاسی، یکی را انتخاب کنند. سازمان فدائیان خلق ایران، ضمن بررسی همه جوانب کار تصمیم گرفت، ضمن حفظ مواضع انتقادی خود نسبت به این دستور رهبری جمهوری اسلامی صرفا به منظور تطبیق فعالیت عملی خود در چهارچوب مقررات و ضوابط جمهوری اسلامی، طی نامه ای رسما به تمام واحدهای سازمانی در سراسر کشور ابلاغ کند، که چنانچه برخی افراد نظامی در ارتباط با تشکیلات سازمان فعالیت داشته باشند این ارتباط منقطع و همچنین درخواست های آنان برای عضویت در سازمان متوقف گردد. این نامه در همان زمان در سراسر کشور اجرا شد. این تصمیم رهبری سازمان درهمان زمان به اطلاع مقامات جمهوری اسلامی هم رسید.

بدین ترتیب، خود آقای دادستان هم خوب میداند که این ادعا که گویا پس از منع رسمی نظامیان از عضویت در سازمانهای سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) "تشکیلات نظامی" مخفی" داشته و یا حتی از آن هم ساده تر ارتباط سازمانی اعضاء و هواداران خود در نیروهای مسلح را متوقف نکرده است، دروغ محض و اساسی پایه است.

درعین حال، لازم به تذکر است که نه ما و نه هیچ نیروی انقلابی دیگر هرگز تعهد نکرده و نمی تواند تعهد کند که در میان نیروهای مسلح کشور بدافعان افکار وعقاید و خط مشی و برنامه آن وجود نداشته باشد. سازمان ما هرگز تعهد نکرده است که نظامیان راه ما را بپذیرند. این روشن است که چگونه شور و فداکاری و صداقت و صحت نظریات و خط مشی فدائیان پایگاه آنان را در میان اقشار مختلف خلق، ازجمله در میان توده نظامیان تقویت میکند. وجود چنین پذیرشی برای ما و برای هر نیروی انقلابی دیگر نه تنها جرم نیست بلکه مایه افتخار و سربلندی است. با این همه مجددا تاکید میکنیم که حتی یک فرد نظامی هم، در روی زمین نمی‌توان یافت که پس از ممنوعیت مذکور در تشکیلات سازمان فعالیت یا در آن عضویت داشته باشد. از میان نظامیانی که به این بهانه دستگیر شده اند نیز، مسلما حتی یک نفر راهم نمی توان یافت که ادعای آقای دادستان دادگاه شرع در موردوی صادق باشد. آقای دادستان دارد به شکل کاملا مضحک و اسف انگیزی دروغ به هم می بافد.

ادعاهای خودسرانه و تلاشهای ضدانقلابی

این حقایق نشان میدهد که این ادعای بکلی بی اساس از سوی هیئت حاکم، صرفا توجیه و پوششی است برای دستیابی به مقاصد خیانتکارانه آنان. مسئولان حکومت این دروغ را به این خاطر سرهم بندی کرده اند تا آنرا بهانه غیرقانونی اعلام کردن و سرکوب رسمی و اعلان شده فدائیان خلق قرار دهند. از این گذشته، هیچکس حق ندارد چنین چیزی را وسیله غیرقانونی اعلام کردن یک جنبش انقلابی قرار دهد. آقای دادستان خیلی گستاخانه می گوید: "همین کافی است که این سازمان غیرقانونی اعلام بشود."

این حکم ری شهری حکمی بکلی خودسرانه و غیرقانونی است. این حکم نه با قانون احزاب مطابقت دارد و نه با اصول قانون

بقیه درصفحه ۹

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۸ مارس (۱۷ اسفند) روز همبستگی بین المللی زنان جهان گرامی باد!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران، فرا رسیدن ۸ مارس روز همبستگی زنان سراسر جهان را به همهٔ زنان، مادران و دختران مبارز میهن و به زنان فدائی که ایثارگرانه در راه برابر حقوقی زنان با مردان و بهروزی مردم میهن مان می رزمند، شادباش می گوید.

۸ مارس معرف روز همبستگی زنان جهان در پیکار علیه بیعدالتی، تبعیض و نابرابری، جنگ و کشتار و ویرانی، اختناق و دیکتاتوری و تباهی و فساد فرهنگی است. هم اکنون در پهنهٔ گیتی، میلیون ها زن علیه ستم و بیدادگری می رزمند. میلیونها زن از ملیت‌های مختلف، یکدل و یکصدا، به ستیز علیه جنگ و خونریزی و سیاست تشنج فزایی امپریالیسم در راس آنها، علیه سیاست گسترش تولید و استقرار سلاحهای هسته‌ای آمریکا، برخاسته اند. زنان، که خود زندگی می آفرینند، با هوشیاری به حفظ آن در گسترهٔ جهان، همت گماشته اند. ۸ مارس روز تشدید، تحکیم و تمرکز این مبارزات علیه هر نوع مظالم اجتماعی است.

در میهن ما، میلیون ها زن، زیربار شدیدترین فشارها، تضییقات و اهانت ها قرار گرفته اند. حکومت جمهوری اسلامی، در تمام این پنج سال، همواره کوشیده است برای تحکیم پایه های قدرت خود از نیرو و انرژی انقلابی توده زنان ما، بهره برداری کند و در ازای از جان گذشتگی ها و ایثار بیدریغ آنان بخاطر انقلاب، زندگی پرازدرد، محرومیت، تبعیض، نابرابری، بی حقوقی، عقب ماندگی و حقارت را به آنها تحمیل کرده است. بلایی که این حکومت بر سر زنان زجر کشیده ما آورده است، خاطره سیاه زنده به گور کردن نوزادگان دختر، توسط پدرها و قبائل جاهلیت عرب، در روزگاران گذشته را زنده می کند. حکومت میکوشد زن مبارز ما را با تمام توانمندی و خلاقیت‌هایش از همهٔ عرصه های کار و سازندگی، رشد و بلوغ و شهروندی به کنجی براند، حق بهره مندی از شکوه و زیبائی زندگی را از او سلب کند، پیوندهای انسانی او را با جامعه بگسلد، بر عواطفش داغ جراحت های بیشمار بکند و در انتهای این راه پر ظلمتی که پیش رویش می گذارد، مهر منسوخ شده "بردگی در خانه" را بر دفتر زندگیش بکوبد. تمام تلاش حکومت در این پنج سال این بوده است که توان و استعداد زنان ما را در گور اندیشه های عقب مانده و قرون وسطائی خود دفن کند.

اکنون حقوق زنان در کلیه عرصه های کار و زندگی، در عرصه اجتماعی- اقتصادی، خانوادگی، آزادیهای سیاسی و دمکراتیک، آموزش و هنر، بیش از هر زمان دیگر، لگدمال میشود. توسل به پوششهای شرعی و افکار پوسیده قرون و اعصار گذشته برای خانه‌نشین کردن زنان، برای محروم کردن این نیروی عظیم اجتماعی از مشارکت در فعالیت اجتماعی و برخورداری از علم و هنر، به سیاست اصلی حکومت در مورد زنان تبدیل شده است. عدم حضور زنان در عرصه مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع نیروی انقلاب را تضعیف می کند و بدینگونه راه شکست انقلاب هموارتر میشود، از همین رو تلاشهای ارتجاعی برای منزوی کردن زنان و راندن آنان از صحنه کار و پیکار، امروز بیش از هر زمانی به خدمت اهداف ضدمردمی و ضد انقلابی گرفته میشود.

زندانها، شکنجه گاهها، میدانهای اعدام و گورستانهای جمهوری اسلامی از وحشیگریها و خودسری های اوباشانه حکام جمهوری اسلامی در قبال زنان، مادران و دختران جوان آگاه و انقلابی ما خبر میدهد. هیچ حکومتی بچنین غدارانه و لجام گسیخته دست به خون زنان نیالوده است. در هیچ دوره ای حرمت مادران که طبق باورهای دیرینه مردم بهشت را زیر پا دارند، اینچنین، شکسته است. شلاق دادن بدست پسر که بر تن مجروح مادرش بکوبد، وادار کردن مادر به درخواست اعدام پسر، به خون کشیدن فرزند جلو دیدگان حیرت زده مادر، اعدام زنان باردار و سالخوردگان ۷۰ ساله و دختربچگان ۱۳ ساله، فقط گواه بر توحش عاملین این جنایات است.

زنان ما امروز با حکومتی مواجهند که دستاوردهای انقلاب را به نابودی می کشد. آنها می بینند که رهبری جمهوری اسلامی برای داغ نگه داشتن تنور جنگ بر خیل فرزندان آنان چنگ میافکند.

نگرانی از امروز و فردای سرنوشت خانواده هرلحظه زنان بلاکشیدهٔ ما را رنج میدهد. امروز زنان حتی در انتخاب نوع لباس آزادی ندارند. اخراج، اهانت و زندان و شکنجه انتظار زنی را می کشد که حجاب را آنطور که حکومت میخواهد رعایت نکند.

در چنین وضعیتی، زنان ما مبارزه بی امان خود را علیه بی قانونی، بی حقوقی، نابرابری و ستمگری ادامه میدهند. آنان که با فعالیت شگفت انگیز انقلابی خود در دوران انقلاب و حفاظت از دستاوردهای آن، احترام جهانیان را برانگیختند، اینک با ایستادگی در مقابل این تهاجمات حکومت، نقش تاریخی خود را در کسب آزادی و برابر حقوقی و تامین استقلال کشور ایفا می کنند. زنان به حکم مسئولیت خویش در حراست از زندگی کودکان و خانواده، خواهان برقراری صلح و آرامش در جهان اند. از این رو از جنگ خانمان سوزی که رژیم بر ما تحمیل میکند بیش از همه بیزارند. زنان آگاه و مبارز ما در جهت خاتمه دادن به جنگ و فلاکتهای ناشی از آن و استقرار صلح در میهنمان مبارزه می کنند. آنان برای پایان بخشیدن به سرکوب فرزندان انقلابی خویش فریاد خشم و اعتراض خود را رساتر میکنند. تلاش خستگی ناپذیر زنان و دختران فدائی و دیگر زنان آگاه و انقلابی، در دفاع از حقوق زنان و پیشبرد مبارزات آنان، افتخارآفرین و پرثمر بوده است. در شرایط امروزی جامعه ما که حکومت سیاستی در جهت آزادگذاشتن غارتگری بی بند و بار سرمایه داری و نزدیکی به امپریالیسم را درپیش گرفته است، وظیفه زنان متعهد، مبارز و انساندوست ما در مبارزه با این سیاست هر روز سنگین تر میشود. زنان در صفوف بهم فشرده و یکپارچه خود همگام و همراه با مردان مبارز میهن، برای زنده داشتن آماجهای انقلاب- استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی- و تامین حقوق برابر با مردان، مصممانه مبارزه می کنند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران با بزرگداشت ۸ مارس روز جهانی زن، زنان مبارز میهن را به تجدید و تحکیم میثاق انقلابیشان با زنان سراسر جهان و گسترش مبارزات خود علیه امپریالیسم و ارتجاع، فرا می خوانند.

کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اسفند ماه ۱۳۶۲

زندانیان سیاسی را آزاد کنید!

کار
ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
اسفندماه ۱۳۶۲ – دوره دوم
سال اول – شماره ۱ – صفحه ۶

جمهوری اسلامی در سالی که گذشت

بقیه از صفحه ۱

باز پس گرفتن زمین از دهقانان ترکمن صحرا، که در پرتو تشکل و مبارزه خود، بخشی از زمینهایشان را از بزرگ مالکان پس گرفته بودند، نمونه ای از این جریان است. در خراسان و آذربایجان و دیگر جاهای کشورمان، نمونه های دیگری را میتوان مشاهده کرد.

رسمیت یافتن این اقدامات نیز از سال گذشته بطور مشخص آغاز شده است. نمودار برجسته، این امر، تصویب "طرح قانون اراضی موقوفه" در مجلس است. در "قانون" آمده است: "از تاریخ تصویب این قانون کلیه، موقوفاتی که بدون مجوز شرعی به فروش رسیده و یا بصورتی به مالکیت درآمده باشد، برسمیت خود برمیگردد و اسناد مالکیت صادر شده باطل و از درجه اعتبار ساقط است". یعنی زمینهای دهقانان را خودسرانه و بزور از آنها میگیرند و بار دیگر آنان را وادار میکنند که بخش اعظم دسترنج خود را به کسان دیگر بپردازند. بدینگونه علاوه بر شرع "قانون" را هم روشن و آشکار پشتیبان بزرگ مالکان کردند.

مدتی پیش از رد لایحه اصلاحات ارضی، لایحه دولتی کردن تجارت خارجی، توسط شورای نگهبان لغو شد. دولتی کردن تجارت خارجی، یکی از خواستهای عمده، مردم ما و از هدفهای مهم انقلاب در راه تامین عدالت اجتماعی و استقلال ملی است. تلاش برای نگهداشتن بازرگانی خارجی در چنگ کلان ـ تاجران غارتگر و مبارزه برای دولتی کردن آن، مدتها بموازات مسئله، اصلاحات ارضی در کانون کشاکش نیروی حاکم قرار داشت. این کشاکش سرانجام بسود راست، بسود کلان تاجران غارتگر و بسود مدافعین حفظ و تحکیم مناسبات اقتصادی ـ اجتماعی رژیم گذشته حل شد. نتایج ضربه سنگینی که بدین ترتیب بر انقلاب وارد کردند در طول سال گذشته هرچه شدیدتر چهره نمود. رهبری جمهوری اسلامی دروازه ها را چهارطاق بروی کالاهای امپریالیستی گشود و سیاست درهای باز را بعنوان "راه حل" مشکلات اقتصادی کشور، مبنای کار خود قرارداد. کار بجایی رسیده که رهبری جمهوری اسلامی گمان میکند همه راهها به بندر ختم میشود. آیت الله خمینی در رابطه با مشکلات فزاینده، اقتصادی اعلام کردکه: "همه چیز هست، فقط کامیون نیست" که برود بندر وبار کند. اندکی پس از آن "جهاد تخلیه کالا" اعلام شد و در یک چشم بهم زدن علاوه بر تجار بزرگ، کامیون داران هم به صف "مجاهدین" من درآوردی حکومت درآمدند. ایران به بزرگترین واردکننده کالا از ترکیه و یکی از بزرگترین طرفهای اقتصادی رژیم ضیاء الحق تبدیل گردید. سیل کالاهای امپریالیستی به بازار کشور، تولیدات داخلی و اقتصاد را به وضعیتی وخیم تر از سالهای گذشته دچار کرده است.

پایمال کردن حقوق کارگران وزحمتکشان

حکومت در سال گذشته، نقشه پایمال کردن همه حقوق کارگران کشورمان را با دقت و شدت بیسابقه ای ادامه داد. پیروزی بزرگ کارگران در سال ۶۱ رسوایی "قانون کار" ارتجاعی و شکست جدی این توطئه خطرناک ضدکارگری بود. این شکست رهبران جمهوری اسلامی را واداشت تا چاره های دیگری بیندیشند و آنچه را از در خارج شد، از پنجره وارد کنند. "قانون شوراهای اسلامی کار" که از "مجلس شورای اسلامی" گذشت کلا همان هدف های "قانون کار" معروف حکومت را دنبال میکند. اما "شورای نگهبان" این حد از ظلم را نیز هنوز کافی ندانست و آنرا رد کرد. برابر "قانون شوراهای اسلامی کار" کارگران نمیتوانند بر اساس حرفه و در برابر کارفرما متشکل شوند. آنها از حق داشتن تشکل های ویژه و مستقل کارگری محروم شده اند. نمایندگان واقعی کارگران یا زیر پیگردند و یا زیر شکنجه و زندان، و در صف بی پایان محکومین به مرگ.

در سال گذشته، کارگران کشور ما، با پایمال شدن همه حقوق خودشان مواجه بودند، تمام زندگی آنها در چنگال بی قانونی، نا امنی اجتماعی، نا امنی شغلی، تورم، گرانی دم افزون و سرسام آور کالاها، گرانی و نبود مسکن و بیکاری گسترده ای که پیوسته بر دامنه آن افزوده میشود ـ سخت وسخت تر شده است.

تعلیق "قانون اراضی شهری"، نمونه بارز دیگری از نفی عدالت اجتماعی و پایمال کردن حقوق مردم است. "قانون اراضی شهری" از نمونه های نایابی است که در شرایط ویژه کشاکش نیروهای حاکم ازتصویب "شورای نگهبان" گذشت. این "قانون" شکل تعدیل شده "قانون لغو مالکیت اراضی شهری" مصوب "شورای انقلاب ـ تیرماه ۵۸" است که لغو اسناد مالکیت زمینهای درون محدوده شهرها را که در چنگال سرمایه داران و زمین خواران است، درخواست میکرد.

تعلیق اجرای "قانون اراضی شهری" که خود زیر تاثیر ابعاد این بحران به تصویب رسید، مشکل حاد مسکن را برای همه شهرنشینان، بویژه برای توده مردم زحمتکش در شهرهای بزرگ بازهم حادتر کرده است.

حفظ و تحکیم نظام اقتصادی به میراث رسیده از رژیم شاه، سیاست بار کردن بیش از پیش میدان برای غارتگری کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، سیاستی که در خدمت حفظ و تشدید محرومیت کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان شهر و روستاست، در چهارچوب برنامه پنجساله حکومت، که در پنجمین سال جمهوری اسلامی تدوین گردید، جمعبندی و منظم شده است. در چشم انداز پنجساله این "برنامه" هیچ خبری از انجام اصلاحات در روستا، تعدیل زندگی مشقت بار روستائیان و تامین حقوق کارگران نیست. در این برنامه حتی نکته ای که بطور واقعی وعملی متوجه رشد نیروی تولیدی کشور و قطع ویرانگریهای اقتصادی و ترمیم خرابیهای کشور باشد، نیست. اولین بودجه ای که در چهارچوب این "برنامه پنجساله" تنظیم شد، بیش از یک سوم آن مستقیما در خدمت ویران کردن کشور و کشتار و بی خانمان کردن مردم، در خدمت جنگ ویرانگر است.

تهاجم فاشیستی برای نابودی نیروهای انقلابی و ترقیخواه

حکومت، پنجمین سال انقلاب را با تهاجم فاشیستی به حزب توده ایران آغاز کرد. از یک هفته قبل از سالروز انقلاب، نقشه ای که از مدتی پیش توسط رهبران جمهوری اسلامی، با کمک سازمانهای جاسوسی امپریالیستی، مزدوران ساواکی حکومت اوین و عناصر خودفروخته طراحی شده بود، در دستور کار اوباشان سیاسی و نظامی حکومت قرار گرفت و بدین ترتیب حکومت جمهوری اسلامی به یکی از پلیدترین تبهکاریها در طول تاریخ معاصر ایران دست یازید.

سالی که با این تبهکاری آغاز گشت، در طنین تازیانه های اوین و در امتداد رگه بی پایان خونی که از پیکر زحمتکش فرزندان گرامی این آب و خاک بر زمین روان شد، ادامه یافته و با آغازپلیدترین توطئه علیه سازمان ما پایان گرفت.

تلاش برای سرکوب و نابودی فدائی و توده ای و مجاهد یعنی تلاش برای نابودی جنبش مردمی درراه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی. تهاجم حکومت علیه این جنبش، تهاجمی است که همه میهن پرستان را سوای عقیده و مذهب و ملیت آنها در بر میگیرد. تلاشهای حکومت علیه مسلمانان مبارز نیز موید این حقیقت است. تهاجم راست برای گرفتن کامل همه نهادهای حکومتی با تشدید توطئه ها، پرونده سازی ها، دام گستری ها و تصفیه و سرکوب عناصر ترقیخواه درون این ارگان ها همراه بوده است. حکومت، همه حقوق و امکانات قانونی مردم برای شرکت در تعیین سرنوشت جامعه را نفی و پایمال کرده است. جمهوری اسلامی رژیم تک حزبی متکی بر سرنیزه و ترور را در همه ابعاد آن پیاده میکند. اختناق و خونریزی وسرکوب هر حرکت مردمی و میهن پرستانه، هدفی است که در طول سال گذشته به آئین رسمی رهبران حکومت بدل شده است. حکومت چاپ و انتشار همه نشریات و کتاب های احزاب و سازمانهای انقلابی و ترقیخواه را ممنوع کرد. نشریات و کتاب های انقلابی و علمی را از کتابخانه ها جمع آوری نموده وسیاری را به آتش کشید. کتابخانه های عمومی را همه این نشریات خالی کرد. هر نوع اعتصاب، نمایش خیابانی و اعتراض جمعی ممنوع بود. دشمنی با آثار و فعالیت ادبی و هنری، دشمنی با زبان و فرهنگ باستانی مردم ایران به اوج خود رسید. امروز هم اوباشان به تخریب آثار باستانی و یادگارهای ملی ومیهنی ما مشغولند. راهی که جمهوری اسلامی در این یک سال پیمود و هم اکنون میپیماید، تا پیکر شهدا فرش و با خون آنها رنگ شده است.

بقیه درصفحه ۷

املاک بزرگ مالکان باید بین دهقانان تقسیم شود

جمهوری اسلامی در سالی که گذشت

بقیه از صفحه ۶

ستم و سرکوب در کردستان

حکومت جمهوری اسلامی که هرگونه حقوق ملی خلقهای ایران و در رأس همه حقوق ملی خلق کرد را نفی می کند در سال گذشته با شدت بیشتری برای نابودی مبارزات حق‌طلبانه مردم کرد تلاش کرده است. زندگی مردم کردستان که پیش از این نیز فاجعه آمیز بود، در پنجمین سال جمهوری اسلامی، بطور بیسابقه ای به وخامت گرائید. در کردستان مردم میان گازانبر دو ارتش (ارتش جمهوری اسلامی و رژیم صدام) فشرده میشوند و از دو سو، بمب و موشک و گلوله برسرآنها میبارد. دامنه ویرانی شهرها و روستاهای کردستان و کشتار مردم مبارز وزحمتکش کرد بجائی رسید که سران حکومت را علیرغم میلشان به اعتراف و ابراز نمونه هائی از این جنایت ها، وادار کرد. مثلا مهدوی کنی در یک مصاحبه مطبوعاتی اذعان کرد که:

"۷۰۰۰۰ نفر از شهر مریوان و بانه بیرون آمده اند بر اثر بمباران شهر و خرابی شهر که اصلا قابل سکونت نبوده است". حکومت در واقع به کردستان، مانند یکی از جبهه های جنگ ایران و عراق، بلکه بدترین این جبهه ها نگاه می کند. بنظر جمهوری اسلامی گویا کردها کردستان را اشغال کرده اند. لذا ارتش و سپاه پس از ویرانی هرشهر و ده کردنشین، اعلام میکنند که این مناطق "آزاد" شده است! جمهوری اسلامی در کردستان تنها آن "قوانین جنگی" را "مراعات" میکند که واضعین آنها تنها قسی ترین مهاجمان میتوانند باشند.

به توپ بستن و ویران کردن روستاها، کوچاندن مردم از موطن شان، بازداشت های وسیع، شکنجه و اعدام وزندان جوانان مبارز و مردم محروم و اجرای مجازات مورد علاقه مهاجمین قرون وسطائی در حق مردم کرد، روش روزمره حکومت در طول سال گذشته بوده است. اما حکومت با این اقدامات جز تخم کین نکاشت و جز خرمن کینه و نفرت برنداشت و مبارزه حق طلبانه مردم کرد بیش از پیش مورد پشتیبانی مردم کشور ما و نیروهای مبارز و مردمی قرار گرفته است.

گسترش روند نزدیکی به غرب

حکومت جمهوری اسلامی، در طول سال گذشته، سیاست نزدیکی به غرب را درجهات سیاسی و اقتصادی گسترش داد. حکومت تهاجم برای سرکوب حزب توده ایران را از همان آغاز با تهاجم تازه تبلیغاتی علیه اتحاد شوروی و ماجراجوئی علیه مناسبات کشورما و همسایه شمالی آن درآمیخت. اوج دادن جنون آسای شوروی ستیزی هم، چنان هدیه ای بود که حکومت میتوانست با امید جلب اعتماد و دوستی غرب آن را پیشکش کند وهم، چنان چراغ سبزی بود که چشم همه امپریالیستها را به خود جلب کرده و در دل آنها امید بیشتری برای کسب امتیازات گذشته شان در ایران بیافریند. کنفرانس سران هفت کشور امپریالیست در ویلیامزبرگ آمریکا، که در سال گذشته برگزار شد و رویدادهای ایران را بررسی کرد، چراغ سبز حکومت را تشخیص داد و متقابلا گرایشهای "مثبت" درسیاست جمهوری اسلامی را مورد تائید قرار داد. وزرای خارجه کشورهای امپریالیستی غرب بمنظور جستجوی راههائی جهت دادن جواب متقابل به پیش درآمدهای ایران، مبنی بر بهبود بخشیدن به روابط با این کشور، به توافق رسیدند.

سال گذشته، تا اوج تلاش رهبران جمهوری اسلامی، برای به فراموشی سپردن شعار مرگ بر آمریکا بود. بهمان میزان که این رهبران تلاش کردند تا تنور شورچیزی را با هیزم دروغ و تهمت و افترا داغ و داغ تر کنند، بهمان اندازه نیز کوشیدند تا شعله های خشم و نفرت مردم، علیه امریکا زبانه نکشد و بدگمانی امپریالیستها نسبت به آنان انگیخته نشود. در ماههای اخیر، رهبران جمهوری اسلامی به استتار آشکار توطئه های امریکا مشغول شدند. خامنه‌ای رئیس جمهور، در شرایطی که نیروهای مسلح امریکا در خلیج فارس و تنگه هرمز جولان میدهند اعلام کرد که "احتمال دخالت نظامی امریکا در منطقه" را "بسیار دور از تصور" میداند. این "موضع" به اشکال مختلف از سوی رهبران جمهوری اسلامی اعلام و تکرار شد. رهبران حکومت از طریق رسانه های گروهی و تریبونهای نماز جمعه گفتگوی غیرمستقیم خود با امریکا برای قطع حمایت امریکا از رژیم صدام و گرفتن امکان از آن برای سرنگون کردن این رژیم ادامه و بسط دادند. آنها کوشیدند امریکا را قانع کنند که مسئله اساسی برای حکومت ایران نه امریکا بلکه رژیم صدام است. اکنون، درواپسین هفته های سال ۶۲ بازهم نقشه های تازه‌ای برای نزدیکی به غرب رو می شود. هاشمی رفسنجانی اینبار بگونه ای بس بیشرمانه‌تر از تریبون نماز جمعه در تهران اعلام کرد که قطع قراردادهای نظامی شاه با آمریکا "خیانت" بوده است! وی بطور مشخص از اهمیت قرارداد بیست میلیارد دلاری نظامی شاه با آمریکا دفاع کرد و تک تک اقلام آن را برای "کشور" "لازم" و "بسیار لازم" و "حیاتی" خواند: او اعلام کرد که اسلحه امریکائی برای "مردم" "از نان شب واجب تراست"!

از سوی دیگر حکومت، مناسبات مودت‌آمیز خود را با ترکیه و پاکستان به جایی رساند که مسئله احیاء پیمان "عمران منطقه ای"، به اشکال دیگری به میان آمده است. مضمون این پیمان عملا از مدتی پیش توسط به حکومت به اجرا گذاشته شده است.

ادامه جنگ به هر قیمت

سال گذشته، درحالیکه تمامی آماجهای انقلاب و همه خواستهای توده های میلیونی به شدت نفی و پایمال میشد، رهبری جمهوری اسلامی مشخصتر و بی پرواتر از همیشه تداوم جنگ را، که مردم از آن متنفرند، بازهم "مسئله اصلی" و "مسئله سرنوشت ساز" اعلام داشت. رهبری جمهوری اسلامی خواهان ادامه جنگ به هر قیمت، تا تغییر رژیم کنونی عراق و روی کار آمدن رژیمی دلخواه خود در عراق است. آیت الله خمینی خود در آستانه چهارمین سال جنگ، با تمام توان و امکان، به میدان دفاع از تداوم جنگ آمده و مسئولیت این امر را با همه ابعادش شخصا بر عهده گرفت.

تبلیغات فریبکارانه رهبران جمهوری اسلامی درباره "سودهای" جنگ فرسایشی ولزوم ادامه جنگ به شکل فرسایشی، در این سال به اوج خود رسید. آنها میگویند، این جنگ هرچه بیشتر طول بکشد بسود "مردم ایران" است! این دروغ بافی ها در اساس برای آنست که تاثیر جنگ را در فرسودن انقلاب و تحکیم مواضع راست، پنهان سازند و به خیال خویش مردم را به شرکت در جبهه ها ترغیب کنند. همانطور که جنگ "مسئله اصلی" جمهوری اسلامی است صدام نیز در سیاست جمهوری اسلامی تدریجا به دشمن اصلی آن بدل شده و آمریکا از مقام و موقعیت قبلی خود از نظر رهبری جمهوری اسلامی خارج شده. رهبران جمهوری اسلامی سال گذشته مکررا گفته اند که "اگر امریکا بگذارد" آنها تکلیف صدام را "معین" میکنند. آنها به اشکال مختلف به آمریکا پیشنهاد میکنند که مثل دوران شاه اسلحه به ایران سرازیر کند، و تنها، از آنها حمایت کند.

سیاست های جدید حکومت در رابطه با جنگ، بیش از پیش کام امپریالیستها، و بویژه آمریکا را شیرین و آنها را امیدوار کرده است. آمریکا سال گذشته، تا آنجا که توانست در تنور جنگ رهبری جمهوری اسلامی نان خود را پخت. آمریکا در طول این سال به گسیل بیش از پیش نیروهای نظامی خود به منطقه و به توسازی و بازسازی و ایجاد پایگاههای جدید نظامی و توسعه و تحکیم پیمانها ومحورهای ارتجاعی رژیمهای مرتجع منطقه مشغول بود.

حکومت بیش از یک سوم تمام بودجه کشور را برای ادامه این جنگ ویرانگر دور ریخت و پیش بینی های "لازم" را برای افزایش نامشخص این مقدار نیز کرده است. در حالی که رقم ناچیزی از بودجه هم صرف آبادی ویرانیها نمیشود. رهبران جمهوری اسلامی، تا آنجا که میتوانند به فروش نفت با ارزانترین قیمت، و خرید اسلحه آمریکایی و انگلیسی به بالاترین قیمت، برای ویران کردن بیش از پیش کشور مشغولند.

در بهمن ماه امسال، جنگ افروزان ماجراجویی جنایتبار تازه ای را آغاز کردند و به جای اینکه با پایان دادن به این جنگ ویرانگر جلو جنایات ددمنشانه رژیم صدام علیه مردم میهن ما را بگیرند، اعلام کردند که مقابلا به نابودی شهرها و روستاهای عراق و کشتن و آواره کردن مردم آنجا اقدام خواهند کرد. و بدین طریق دامنه خونریزی را، به گسترده‌ترین حد خود از آغاز جنگ تا کنون میرسانند. رژیم جنایتکار عراق بر سر شهرها و روستاهای ما بمب میریزد و گروه گروه هم میهنان ما را میکشد و حکومت جمهوری اسلامی هم برای "داغ نگهداشتن تنور جنگ" گروه گروه جوانان ما را در این تنور می سوزاند و خاکستر میکند.

سال گذشته، مردم اعتراضات چشمگیری علیه ادامه جنگ داشتند. مردم میهن ما که تجاوز رژیم صدام را درهم شکستند ومتجاوز

بقیه در صفحه ۱۰

"انتخابات آزاد" یا تحمیل مجلس تجار

بقیه از صفحه ۱

گویا انتخابات آزاد است. گویا هیچکس حق ندارد در انتخابات دخالت کند. این ادعاهای سرا یا کذب، هر روز از بلندگوهای تبلیغاتی حکومت تکرار میشود. آنها از کدام آزادی دفاع می کنند؟ چه کسانی در جمهوری اسلامی واقعا آزادند و چه کسانی از آزادی واقعی محروم هستند؟ راست آن است که انتخابات به اصطلاح آزاد در شرایطی برگزار میشود که حقوقان بیسابقه‌ای به کشور حاکم شده است. و هر صدای حق طلبانه ای را با زور خاموش میکنند. میهن پرستان و ترقی‌خواهان و مبارزان راه آزادی با زندان و اعدام و شکنجه های دستجمعی سرکوب میشوند. فعالیت تمام احزاب، سازمانها، گروهها و انجمن های مترقی و انقلابی، برخلاف قانون، ممنوع شده است و اعضاء و هواداران آنها بدستور حکام شرع دستگیر، شکنجه، اعدام و سر به نیست میشوند. هیئت حاکمه نه تنها آزادی را از دگراندیشان سلب میکند، بلکه آندسته از مبارزان مسلمان را که حاضر به خیانت به مردم و انقلاب نیستند، تصفیه و تحت فشار و پیگرد قرار میدهد. بر کسی پوشیده نیست که تصفیه این عناصر از مسئولیت و مشاغل حکومتی به سیاست قطعی رهبران رژیم تبدیل شده است. از نظر رهبران حکومت آحاد ملت ایران همگی مجرم هستند، مگر خلاف آن ثابت شود، و این شبه فعالیت سیاسی در کشور نیست که جرم محسوب میشود. این تنها مبارزه در راه آماجهای انقلاب نیست که توطئه تلقی میشود، حتی فعالیت افراد عادی برای تامین ابتدائی ترین حقوق خود، با برچسب اخلالگری و کفر و توطئه مواجه و با محرومیت از کار، تضییق و فشار حکومت روبروست. به همین دلیل، هر نوع فعالیت کارگران برای بهبود شرایط کار و وضع زندگی آنها سرکوب میشود و کارگران گروه گروه از کارخانه ها اخراج میشوند. هر نوع مبارزه دهقانان علیه سلطه اربابان با واکنش شدید حکام شرع و نهادهای ویژه حکومتی مواجه میشود. آنها که در برابر اربابان پی ایستند سرکوب میشوند و یا تحویل زندانها و فراموشخانه ها میگردند. تا کنون صدها هزار نفر از کارمندان، معلمان، دانشجویان و دانش آموزان از ادارات دولتی، دانشگاهها و مدارس کشور به اتهام دفاع از انقلاب اخراج شده اند. گناه آنها این است که آنطور که رهبری جمهوری اسلامی می پسندد فکر نمیکنند، و زندگیشان مطابق فتاوی آیت الله خمینی نیست. اکنون زندانها از کارگران، دهقانان، روشنفکران و جوانانی که در راه حقوق سیاسی و اجتماعی خود مبارزه میکنند، لبریز است.

آیت الله خمینی میگوید هیچ مقام دولتی حق دخالت در انتخابات را ندارد و این گفته آقا را اطرافیان ایشان فریبکارانه برای منحرف کردن اذهان تکرار میکنند. اما آنها که از دخالت در سرنوشت "انتخابات" محروم شده اند، فقط مردم هستند و بس. بعنوان مثال طبق قانون جدید انتخابات هر کاندیدا باید از هفت خوان حکومت بگذرد و به هفت آب شسته شود. مثلا برای کاندیدا شدن حمایت و تائید معتمدین شهر یعنی باراریان بزرگ، شرط قطعی است. علاوه بر آن صلاحیت همین کاندیداها باید توسط واحد اطلاعات سپاه پاسداران، کمیته های انقلاب اسلامی و دادستانی کل و اداره تشخیص هویت بین المللی و غیره و غیره تائید شود. (ماده ۵۱ انتخابات مجلس ۱۳ تیرماه) در صورتیکه "لازم" شد، وزارت کشور مجاز است از کاندیدای مجلس شورای اسلامی انگشت نگاری کند. بار طبق همین قانون ارتجاعی و برای محکم کاری، انقلابیونی که فعالیت سازمانهای آنها از طرف حکومت غیرقانونی اعلام شده است از کاندیداتوری مجلس محروم اند. در واقع این انقلابیون از حق زندگی کردن هم محرومند چه رسد به شرکت در انتخابات.

* * *

گفتار و فتاوی گذشته رهبران جمهوری اسلامی بویژه آیت الله خمینی را به خاطر آورید. آنها استقرار "حکومت عدل علی" و "نظام قسط اسلامی" و "برچیدن بساط ظلم و جور" را در قانون اساسی و خطبه‌ها وعده داده بودند. گفته بودند دست های پشت سد مالکیت است. کارگران ستون انقلابند. انقلاب کار کوخ نشینان بوده است و تمام مملکت متعلق به آنهاست. بارها گفتند دشمن اصلی "اسلام" و مستضعفان "شیطان بزرگ" آمریکاست و همه قلمها و تفنگ ها باید به سوی او نشانه روند. اما، حالا میگویند شوروی بدتر از امریکاست. بازار "استوانه انقلاب" است. مصادره اموال و املاک طاغوتیان خلاف شرع است. بدین ترتیب آنها فتوای گذشته خودرا اشتباه دانسته و گفتار و وعده های سابق را پس گرفته و زیرپا گذاشته اند.

رهبران جمهوری اسلامی به جبران مافات، خادم بازار گشته اند. نه تنها از "تجار محترم" دلجوئی می کنند، بلکه آنهارا به ایستادگی و مقاومت در برابر انقلاب تشویق مینمایند. از آنها میخواهند که در راه قبضه کردن تام و تمام ارگان قدرت یک قدم هم عقب نشینی نکنند. برای درک منظور، برای آشنایی بیشتر با مقصود رهبران جمهوری از آزادی "انتخابات" به سخنان بسیار گویای آیت الله خمینی خطاب به عمر اولادی و معتمدان بازار میتوان اشاره کرد که میگوید: "اگر شما باشد کنار بروید من باید کنار بروم ... البته اینطور نیست که کسی بتواند به شما و امثال شما توهین کند... به انتخابات توجه داشته باشید. در اول مشروطه، اصناف بازار وکلایی داشتند... اگر در مجلس آینده یک قدم عقب نشینی کنیم، در آینده نزدیک ما را کنار خواهند گذاشت. باید قهر نکنیم و کوشش کنیم تا بازار نیز خودش برای انتخابات، اشخاص را معرفی کند. باید مفید کسی باشید که هرچه را عده‌ای تشخیص دادند همان را عمل کنیم. بازار اختیار تمام دست خودش است. شما بازاریها را بیدار کنید تا در تهران و سایر جاها اشخاص خوبی به مجلس بیاورند تا مجلس آینده از مجلس فعلی بهتر باشد". (آیت الله خمینی ۱۲ دی)

بدین ترتیب، راس هرم حاکمیت، بران بازار را از پشتیبانی قاطع خود مطمئن میدارد، از آنها میخواهد که بازارهای بزرگ ایران را متشکل کنند. و سازمان یافته در انتخابات شرکت نمایند و با معرفی کاندیداهای خود مجلس را قبضه کنند، "تا مجلس آینده از مجلس فعلی بهتر" باشد. رهبری جمهوری اسلامی آشکارا میگوید کسانی که قصد دارند زیاده طلبی "تجار محترم" را اندکی مهار کنند با خود وی طرف هستند.

در اجرای رهنمود آیت الله خمینی، تجار محترم بازار، این "استوانه های انقلاب" در کسوت "جامعه انجمن های اسلامی بازار و اصناف تهران" با تشکیل "دفتر مرکزی انتخاباتی بازار و اصناف" در تهران و دفاتر مشابه در استانها و شهرستانها فعالیت جدید انتخاباتی خود را رسما آغاز کرده اند. دفتر مرکزی مطابق اعلامیه زیر که در مطبوعات به چاپ رسید فعالیت خودرا شروع کرد: "از بازاریان و اصناف سراسر کشور تقاضا میشود که با کسب نظر ائمه جمعه و روحانیت منطقه افراد شایسته را تعیین و در اسرع وقت، همراه با مشخصات کامل به این دفتر و دفاتر مشابه در استانها و شهرستانها معرفی نمایند... تا پس از بررسی های لازم و تماس با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت مبارز تهران و حزب جمهوری اسلامی، فعالیت لازم انتخاباتی، در اجرای فرمان مبارک امام انجام خواهد شد." (کیهان ۱۹ دی) بدین ترتیب کاری که قرار بود آقای کنی انجام دهد، اینک "تجار محترم" را با در هماهنگی با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و روحانیت مبارز تهران به رهبری آیت الله کنی و حزب جمهوری اسلامی برهبری خامنه ای و با حمایت قاطع رهبر جمهوری اسلامی بعهده گرفته اند و در انتخابات جاری از آزادی عمل تام و تمامی برخوردارند.

وقتی که بازار یکه تاز میدان انتخابات است، وقتی که با حمایت آیت الله خمینی، مهار انتخابات باصطلاح آزاد بدست "دفاتر انتخاباتی بازار و اصناف" می افتد، نتیجه انتخابات از قبل روشن است. مجلس دست بخت اینها معلوم است چه مجلسی است و جانب کی ها را می گیرد. آنجا چیزی که به نفع مردم باشد تصویب نمیشود، تا با مخالفت شورای "نگهبان قانون اساسی" مواجه شود. مجلس آینده، مجلس نمایندگان مردم نیست مجلس تجار بازار و شرکای آنان است.

بقیه در صفحه ۱۰

دست سرمایه داران باید از تجارت خارجی کوتاه شود!

کار
ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
اسفندماه ۱۳۶۲ – دوره دوم
سال اول – شماره ۱ – صفحه ۹

بقیه از صفحه ۲

فدائیان خلق و ...

اساسی. اگر قرار شود افرادی را بعلت اعمال خلاف قانون تحت پیگرد قرار دهند، اولین کسانی که باید دستگیر و بساط آنان برچیده شود همین مقامات قضائی و در رأس همه، همین آقایان دادستان هستند. آقای دادستان اضافه کرده است: "خودشان را نباید معرفی کنند."

این شگرد فاشیستی که در مورد رفقای توده‌ای ما نیز بکار گرفته شده است، آشکارترین و خادشرین جلوه خودسری و استبداد وحشیانه است که این آقایان بر کشور حاکم کرده اند. نه طبق قانون اساسی مشروطه و نه طبق قانون اساسی کنونی و نه طبق اعلامیه حقوق بشر و نه طبق هیچ میثاق بین المللی دیگری، کسی حق ندارد اعضاء و هواداران یک سازمان سیاسی را بصرف عضویت در آن سازمان و یا بجرم هواداری از آن تحت پیگرد قرار دهد و یا تکلیفی بر عهده آنان بگذارد. قانون اساسی در مورد احزاب، جمعیت‌ها و انجمنهای سیاسی تصریح میکند:

"هیچکس را نمی توان از شرکت در آنها منع و یا به شرکت در آنها مجبور کرد."

نه بر پایه قانون دست و پا شکسته "احزاب" مصوب مجلس شورای اسلامی، و نه بر اساس هیچ قانون دیگری هیچکس حق ندارد توده اعضاء و هواداران احزاب سیاسی را تحت پیگرد قرار دهد و یا آنها را موظف کند که به مراجع انتظامی و قضائی مراجعه کنند. صدور چنین احکامی خاص قرون وسطی و دوران تفتیش عقاید است. تردید نباید داشت که فردا برآمد توده ای، صادرکنندگان اینگونه احکام فاشیستی را بعنوان مرتکبین جرائم جنائی به پشت میز محاکمه خواهد کشاند و قطعا مجازات شایسته ایشان را هم اعمال خواهد کرد.

بعلاوه نیک پیداست که چگونه مسئولان قضائی کشور از آن حکم کذایی چماقی ساخته اند برای پاکسازی صفوف نیروهای مسلح از تمامی عناصر میهن پرست و مردمی. آنها اکنون درست همان روال رژیم شاه را در پیش گرفته اند. قبل از انقلاب طبق قانون سیاه مصوب ۱۳۱۰ دادگاه های ارتش چنین بی پرده و صریح، صاحبان "افکار و عقاید انقلابی" را به بهانه "عضویت در دسته و جمعیت با مرام و رویه اشتراکی یا ضدسلطنتی" محکوم میکردند.

البته این، هرگز یک اقدام تازه از جانب حکومت محسوب نمیشود. اکنون بیش از دو سال است که هرکجا که دستشان رسیده کادرها و فعالین سازمان را دستگیر کرده و به زندان انداخته اند. طی یک سال اخیر سازمان ما به تنها از کمترین امکان فعالیت علنی و قانونی محروم بوده است، بلکه حکومت اوین با پهن کردن پیچیده‌ترین دامهای تعقیب و مراقبت و تورهای پلیسی، که مطابق آخرین تکنیک‌ها و تجارب ساواک پهن شده بودند تلاش کرده است رهبری سازمان را بدام اندازد و سازمان را بکوبد. توطئه ای که صرفا در پرتو حمایت عملی مردم از فدائیان و در پرتو جانبازی و هوشیاری اعضاء و هواداران سازمان خنثی شد و نتایج مورد نظر رژیم را تامین نکرد. نه آنها باید افزود اعمال فشار بر خانواده ها، و بستگان مسئولین سازمان برای یافتن آنان و از همه فجیعتر اعمال شکنجه و زجر طولانی روی برخی از کادرها و مسئولین سازمان که بیش از دو سال پیش بطور غیرقانونی و خودسرانه در بازداشت به گروگان نگاه داشته شده اند. بدین ترتیب مشاهده می شود که حکومت فقط از آنجا که خط مشی سرکوب اعلان شده سازمان، نتایج مطلوب را بار نیاورده است خود را مجبور میبیند که رسما و علنا نقشه خود برای سرکوب سازمان را علنی کند. همه این واقعیات، نشان میدهد که مقصد اصلی هیئت حاکمه سرکوب فدائیان خلق به مثابه یک نیروی انقلابی است و داستان "تشکیلات نظامی مخفی" صرفا دروغی مضحک و جربه کند و از کار افتاده و غم انگیزی است که بهانه سرکوب قرار گرفته است.

توطئه فاش می‌شود

حدود یکسال پیش، به هنگام دستگیری رهبران حزب توده ایران، روزنامه های حکومتی وقیحانه نوشتند "عده ای جاسوس دستگیر شدند". بعدها اتهام "داشتن سلاح و "براندازی" را هم به آن اضافه کرده و توطئه اعلام انحلال حزب و غیرقانونی شمردن آن را به اجرا گذاشتند.

اکنون نسوته همین توطئه را علیه سازمان فدائیان خلق میخواهند به اجرا بگذارند. این توطئه نشان میدهد که مسئله مرکزی همان سرکوب و نابودی جبهه میهن‌پرستان و انقلابیون واقعی است. البته وسایل رسیدن به این هدف شوم را هم حساب شده انتخاب کرده اند. دروغ پراکنی درباره جاسوسی دقیقا با هدف تخریب مناسبات ایران و شوروی و محروم کردن انقلاب ایران از نیرومندترین پشتیبان آن در عرصه بین المللی طراحی شده بود. برچسب "براندازی" و "تشکیلات نظامی مخفی" نیز، بدین خاطر انتخاب شدند که وجود هر نوع روحیه و فعالیت انقلابی را هم، همراه با کوبیدن سازمانهای انقلابی بکوبند و نابود کنند. نباید فراموش کرد که به اصطلاح "پاکسازی" نیروهای مسلح برای حکومت، در عین حال خود یک هدف بسیار حساس و مهم است. هدفی که خود جزئی از هدف شوم حکومت یعنی توطئه برای نابودی نیروهای میهن پرست و انقلابیون اصیل کشور است. هدف شومی که دستیابی به آن نیازمند وسایل شومتری است. خلاق دروغ و خیانت، همراه با سوء استفاده از احساسات پاک مذهبی مردم وسایلی هستند که این حکومت برای رسیدن به هدف شوم خود، از آن بهره گرفته است. پرونده سازی اخیر علیه فدائیان خلق، بار دیگر نشان داد که راستگرایان حاکم با هر فکر و اندیشه و نیروی ترقی خواه چه مارکسیستی، چه اسلامی و غیراسلامی دشمنی کینه توزانه دارند. وقتی موج تصفیه و ترور و شکوب و اختناق و شکنجه و زندان و اعدام دامنگیر همه نیروهای ترقیخواه، اعم از مارکسیستها و دمکراتها و ملی گرایان واقعی و مسلمانان انقلابی، دامنگیر همه دگراندیشان ترقیخواه شود دیگر هیچ جایی برای توجیه جهان به ادعاهای حکومت درباره این یا آن نیروی انقلابی باقی نخواهد ماند. از حکومتی که زمین را از دهقان پس می‌گیرد، کارخانه را به طاغوتیان بازمی‌گرداند، قانون کار آنچنانی تدوین می کند، تجار بازار را رژیون انقلاب می داند، از حکومتی که جنگ ارتجاعی را دامن می‌زند، حکومتی که سیاست ضدنیروی و راه حفظ وابستگی کشور به غرب را در پیش گرفته است، جز دشمنی با انقلابیون چه می توان انتظار داشت؟ گناه افسران میهن پرست و فعالین حزب توده ایران نیز از نظر مقامات حکومتی فقط و فقط خدمات شایان توجه آنان به میهن خویش و به مردم و انقلاب است. صدور ۱۳ حکم اعدام برای افسران انقلابی و میهن پرست فقط و فقط پاداش همین خدمات آنهاست. اینها حقایقی است که پیش چشم ما گسترده شده است. ادعاهای دادستان، علیه سازمان ما هم، در واقع حکم به برائت دیگری است برای تمام نیروهای ضدامپریالیستی و مردمی ایران که قبل از این از جانب این حکومت مورد اتهام قرار گرفته اند. سمتگیری حکومت و سیاستهای آن خود بارزترین دلیل هجوم به فدائیان است. راهی که این حکومت در پیش گرفته خود بهترین سند افشاگر توطئه حکومت علیه ما و توطئه علیه ما، افشاگر تمام اتهامات و ادعاهای پوچ و بی اساس آن علیه همه نیروهای انقلابی کشور است.

وظائف امروز و فردا

عاجل ترین وظیفه انقلابی امروز آنست که اهداف ضدمردمی و ضددمکراتیک و ضدملی هیئت حاکمه از پرونده سازیهای اخیر علیه افسران میهن پرست و محاکمات آنان هرچه وسیعتر بر ملا گردد و نشان داده شود که قصد واقعی حکومت از این دادگاههای نظامی و احکام اعدام و زندان کدام است؟ باید اعتراض عمومی علیه این جنایات را هم در سطح کشور هم در سطح جهانی هرچه بیشتر گسترش داد. باید از تمامی اشکال مبارزه و همه امکانات برای انجام این وظیفه بهره گرفت.

باید نشان داد که حکم مقامات قضائی، دائر بر الزام اعضاء و هواداران سازمان فدائیان خلق ایران و حزب توده ایران به مراجعه به مقامات انتظامی و معرفی خود، دستوری بکلی خودسرانه، غیرقانونی و جنایتکارانه است. باید موج اعتراض علیه این خودکامگی بیسابقه را هرچه بیشتر گسترش داد. باید این توطئه را با شکستی افتضاحانه مواجه ساخت. فدائیان خلق در طول ۱۳ سال حیات انقلابی خود همیشه سرمشق ایستادگی و تسلیم ناپذیری در برابر دشمنان خلق و جانبازی و فداکاری در راه خلق بوده اند. امروز از آنان خواسته میشود که ترف انقلابی خود را لگدمال کنند، راه روزه ها و جریحه ها بشکنند و راه مردم را ترک گویند. فدائیان خلق و همه نیروهای مردمی اصیل نشان میدهند که برافراشته خواهند ماند و سیمای قهرمانان را سرمشق کار و زندگی خویش قرار خواهند داد.

پاکسازی صفوف نیروهای مسلح، از هر نوع فکر و اندیشه انقلابی و ساختن ارتش جدا از مردم و بیگانه با انقلاب برای حکومت اکنون یک هدف استراتژیک است. توده نظامیان بخشی از توده های میلیونی خلقند. هیچ نیرویی قادر نیست از نفوذ و گسترش اندیشه انقلابی، مردمی و میهن پرستانه در صفوف پرسنل نیروهای مسلح جلوگیری کند. فکر و فعالیت انقلابی درهر حال عرصه ارتش و سپاه را هم درخواهد نوردید. تشدید سلطه ارتجاع در صفوف نیروهای مسلح ضرورت حفظ و بقای مدافعان مردم و میهن را در صفوف نیروهای مسلح بیشتر از پیش برجسته ساخته است. امروز بخشی از جوانان پرورش یافته در آغوش انقلاب، بخشی از جوانان آگاه، عرصه نیروهای مسلح را بعنوان عرصه کار و زندگی آینده خود انتخاب می کنند. آنها و همه عناصر مردمی و انقلابی در صفوف نیروهای مسلح، باید توطئه تصفیه و اخراج و سرکوب خود را به هر شکل ممکن خنثی کنند ●

بقیه از صفحه ۲

با ایمان ...

رفقا و دوستان عزیز! در کار ما آنچه ثابت نیست و دائما تغییر میکند اشکال و شیوه های مبارزه است، هدف و راه ما همواره و با قدرتی روزافزون باید ادامه یابد. ما روزهای بسیار سختی را پشت سر گذاشته ایم و برای فرداهای سرشار از "آزادی و شکوفائی" این روزهای سختی و ایثار را هم، پیروزمندانه پشت سر خواهیم گذاشت، تهیه و انتشار و توزیع کار و مظهر آشکار صداقت و حقانیت فدائی خلق در همه وجوه آن میثاق جاودانه ایست که با خلق خویش بسته است. ما در راه استقلال و دمکراسی، در راه صلح و سوسیالیسم میرزمیم، ما به پیروزی این راه و آرمانی که برگزیده ایم ایمان داریم، و با ایمان به پیروزی راهمان پیش میرویم ●

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

احکام جنایتکارانه علیه افسران میهن پرست را محکوم می کنیم!

سرانجام، پس از محته سازی های فریبکارانه و مشمئزکننده هیئت حاکمه، محاکمات افسران میهن پرست و برخی فعالین حزب توده ایران پایان یافت و آراء صادره اعلام شد. در بیدادگاه برای ۱۳ نفرحکم اعدام، برای ۶ نفر حبس ابد و برای دهها نفر دیگر حبس های سنگینی صادر شده است.

گناه اصلی این افسران، دفاع فداکارانه از انقلاب، جانبازی در دفاع از میهن و ایفای نقش فعال به سود مردم در صفوف ارتش جمهوری اسلامی ایران بوده است. دادگاههای شرع برای افسرانی حکم مرگ صادر کرده اند که در میان توده سربازان و درجه داران ارتش محبوب بودند. چراکه صادقانه در راه دگرگون ساختن چهره کریه ارتش شاه، تلاش میورزیده اند.

افسرانی که امروز به پای میز محاکمه کشیده شدند، کسانی هستند که دیروز مورد تجلیل قرار گرفته و اکثرشان ترفیع دریافت کرده اند. آیت الله خمینی قبلا گفته است که سرمایه داران و ملاکین غارتگر و ستمکار را به پای میز محاکمه خواهد کشید. تاحق مستضعفان را از آنان بازستاند. آیا ایشان امروز با این محاکمات، به همان وعده ها عمل کرده است؟ آیا رهبران جمهوری اسلامی هنوز به وعده های شیرینی که به مردم دادند، وفادارند؟ مردم شرافتمند وزحمتکش میهن ما امروز با چشمان خود می بینند که رهبرانی که با رای اعتماد آنان به قدرت رسیده اند، به جای درمان دردهای بیکران زحمتکشان، جانب تجار غارتگر بازار وملاکان غارتگر را گرفته به جای جانشین به میهن و خلق، میهن پرستان و مدافعان واقعی مردم زحمتکش را به پای میز محاکمه کشیده و سرکوب می کنند.

دستگیری و شکنجه و محاکمه و صدور احکام ظالمانه، برای افسران میهن دوست و فعالین حزب توده ایران، به هیچ وجه ربطی با اتهامات و پرونده سازیهای کثیف و بی شرمانه، مسئولان قضائی کشور، علیه آنان ندارد. دلیل اصلی دستگیری وسرکوب میهن پرستان واقعی پشت کردن رهبری جمهوری اسلامی به مردم و تلاش حکومت برای جلب محبت امپریالیسم امریکا و احیای اعتماد آنست.

هدف اساسی حکومت، از این تالانگری‌های قرون وسطایی، همانا تهی کردن کشوراز فرزندان خلف خلق، از همهٔ نیروهای ترقی خواه و آگاه و مبارز است. محافل ارتجاعی جمهوری اسلامی، که روز بروز سلطه خود را در کشور بیشتر تحکیم می کنند خط مشی نابودی همه انسانهای شریف و میهن دوست ما را درپیش گرفته اند. هجوم به حزب توده ایران در سال گذشته و پیگرد و تعقیب و شکار فدائیان خلق، که اکنون از سوی آنان به اجرا گذاشته شده است، همه و همه تنها همین هدف را دنبال می کند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران، مراتب تنفر و انزجار خودرا ازصدور این احکام جابرانه، غیرقانونی وخودسرانه اعلام کرده، آنها را مطلقا بی اعتبار شناخته و قویا محکوم می کند. ما از همه هم میهنان آگاه و مبارز دعوت میکنیم علیه این خودسری های حکومت اعتراض کنندواجازه ندهند این ظلم و بیداد و استبداد ادامه یابد. ما از همهٔ نیروهای ترقی خواه در سراسر جهان دعوت می کنیم با پشتیبانی خود از میهن پرستان و آزادیخواهان ایران، خلق ما را در این روزهای تیره و تاری که بر میهن ما می گذرد، تا به حد ممکن یاری دهند.

رسا تر باد فریاد اعتراض علیه ترورواختناق، علیه شکنجه و اعدام

پیروزباد مبارزات حق طلبانه مردم ایران

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت)

بهمن ماه ۱۳۶۲

جمهوری اسلامی در ...

بقیه از صفحه ۷

را از خاک میهن بیرون راندند، اکنون بخاطر یاوه گوئی های جنون آسا وماجراجویی‌های بی معنی جمهوری اسلامی حاضر نیستند جوانان خود و مردم عراق را به کشتن بدهند.

* * * * *

برآیند کارنامه جمهوری اسلامی ایران در پنجمین سال انقلاب جوهر چرکین سیاست حاکم را نمایش میدهد. این سیاست عدالت اجتماعی را اساسا نفی میکند و موید استثمار و غارتگری سرمایه داری و بزرگ‌مالکی است. این سیاست همه دستاوردهای انقلاب، در زمینه آزادیهای سیاسی را به شکل فاشیستی نابود کرده است. این سیاست در سمت نابودی دستاوردهای انقلاب در زمینه تامین استقلال ملی سیر میکند. امروز در حکومت جبهه ای که توان آن را داشته باشد که این سمتگیری را دگرگون کند وجود ندارد. اما در ایران ما، نیروی لازم برای نبرد پیروزمندانه علیه این سیاست و سردمداران آن وجود دارد. حکومت نیز در تبلیغات خویش میکوشد تصویری از یک حاکمیت مطلقا یکدست و عاری از تضاد و همیشه و استوار از خود، در ذهن مردم ترسیم کند.

رهبری جمهوری اسلامی درست به همان میزان که سیاستهای خلاف منافع مردم، در پیش گرفته و به مردم پشت کرده و از آنان دور شده است، مردم را نسبت به خویش بی اعتماد کرده، از خود دور نموده و در برابر خود قرار داده است. و بدینگونه تیشه خشم و مبارزه مردم را بر ریشه خود کوبیده و میکوبد. مردم ایران، مردمی که در تمام طول تاریخ معاصر لاینقطع علیه استبداد و استعمار و ستم طبقاتی مبارزه کرده اند با افسون و جادو وخفقان وسرکوب راه خود را رها نمیکنند. مردم سفره خالی و زندگی دشوار خود را میبینند، ومیبینند که شهرشان آباد و کشورشان آزاد نیست. تصمیم چنین مردمی، همواره علیه سیاستهای راست و ضدمردمی و سردمداران آن است. این تصمیم سرانجام پیروز است. ■

"انتخابات آزاد" یا ...

بقیه از صفحه ۸

از نظر حکومت مجلس آینده باید باتصویب قوانین ضروری شرایطی فراهم کند تاهرکس را که از کارگر و دهقان و زحمتکش حرف بزند و یا علیه جنگ کثیف کنونی مبارزه کند، یا علیه احکام فاشیستی دادگاههای شرع اعتراض نماید فورا او را بعنوان فدائی، توده‌ای، مجاهد، ملحد و محارب دستگیر و با روشهای حیوانی تحت پیگرد و شکنجه قراردهد. خلاصه، هدف رهبران حکومت از نمایش انتخاباتی کنونی تحمیل آنچنان مجلسی به کشور است که فقط "تکبیر گو" باشد، و ازآن هیچ صدایی به گوش نرسد، مگر: "صحیح است، احسنت".

براین اساس رهبران حکومت نه تنها از شرکت سازمان فدائیان خلق ایران و حزب توده ایران و سازمانها و انجمن های ملی و مترقی جلوگیری میکنند، بلکه تلاش دارند از کاندیداتوری و نمایندگی مجدد آن عده از نمایندگان کنونی که با سیاست و سمت گیری حکومت مخالفند و از تریبون مجلس علیه آن و سود مردم انتقادهائی میکردند، جلوگیری کنند. آنها میخواهند لیستی از نمایندگان "بله گو"ی مورد اطمینان و مدافع حکومت درست کنند. آنها برای دستیابی به این هدف، خود را آماده میسازند که با حربهٔ ارعاب و تهدید و با سوء استفاده ازاعتقادات مذهبی و با توسل به تقلب‌های انتخاباتی به لیست تحمیلی خود، رنگ انتخابی بزنند. بر واضح است که چنین انتخاباتی، فرمائشی و مخدوش و فاقد کوچکترین اعتبارقانونی است.

در این شرایط، تنها راهی که حکومت در برابر مردم نهاده است، راه مبارزه با آن است. باید علیه اقدامات خودسرانه حکومت و شرایط خفقان‌آور انتخابات مبارزه کرد. باید حقایق را به اطلاع همگان رساند و اهداف واقعی حکومت را از این باصطلاح "انتخابات" افشاء کرد. سازمان فدائیان خلق ایران و حزب توده ایران از این انتخابات و نتایج آن ارزیابی واحدی ارائه میدهند. آنان سیاست و مشی واحدی را دنبال میکنند و از سایر نیروها هم دعوت میکنند که به این سیاست و مشی بپیوندند. ما بر اساس این سیاست، و به حکم مسئولیت هایی که در برابر مردم داریم و در راه انجام این مسئولیت، از مردم مبارز ایران دعوت میکنیم که در انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی "به فهرست نامزدهای ارائه شده از طرف نهادهای وابسته به حکام جمهوری اسلامی و یا سازمانهای مربوطه به آنها رای مخالف دهند." ■

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران
به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
بمناسبت سیزدهمین سالگرد بنیان گزاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقای عزیز!

سیزدهمین سالگرد پایه گذاری سازمان فدائیان خلق ایران را ازصمیم قلب به شما تهنیت می گوئیم. سازمان قهرمان شما امسال سالگرد تولد شکوهمندش را در شرایطی برگزار می کند، که امپریالیسم و ارتجاع نابودی و ویرانی هر آنچه راکه مردمی و مترقی است وثیقه تامین سلطه غارتگرانه و استقلال شکنانه خود در میهن ما قرار داده اند.

رفقای عزیز!

از آنروزی که آرزوهای پاک و انسانی پیکار بخاطر استقلال، آزادی و رفع ظلم و ستم و بیعدالتی اجتماعی شما را به جنگلهای انبوه شمال میهن ما کشانید تا آنجا که خود به قسمتی از دریای خروشان جنبش کمونیستی و کارگری میهن مان تبدیل شدید، راهی دشوار، اما پرافتخار را طی کردید.

رزم و پیکارتان، رشد و گسترشتان، وفاداری عمیقتان به آرمان های والای انسانی و به اهداف بزرگ ترقیخواهانه و مردمی جای بزرگی در صفوف پیشرو توده های زحمتکش و مترقی میهن ما و در انظار نیروهای مترقی و دمکرات جهان به شما تخصیص داده است. اشتی ناپذیری، اصولیت و پیگیری شما در پیکار بخاطر دستیابی به اهداف سیاسی و اجتماعی به نفع استقلال میهن و نجات مردم زحمتکش، خواب را بر دشمنان شما که دشمنان ما و همه مردم زحمتکش و میهن دوست ما هستند، حرام کرده است.

امروز ارتجاع ایران با همکاری و راهنمائی امپریالیسم و ارتجاع جهانی غدارانه ترین شیوه های پلیسی را برای قلع و قمع سازمانهای ما و سایر سازمانهای مردمی و مترقی و دمکراتیک بکار میبرد. امپریالیسم و ارتجاع عملا دست اندردست در جبهه واحدی، هر روز به سنگرهای دیگر رزمندگان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی میهن ما می تازند. این هجوم ددمنشانه، غیرقانونی و انقلاب برباد ده، روز بروز گسترش و عمق بیشتری می یابد. ارتجاع و عوامل امپریالیسم که میزان قدرت و عظمت اراده خلقهای بپاخاسته و مصمم میهن ما را از نزدیک دیدند و لمس کردند، اینک با تمام نیروی خودکمر به نابودی همه ستون ها و ارکان جنبش مردمی و انقلاب شکوهمند میهن ما بسته اند. آنها تلاش دارند که ناتوانی خود را در لحظات اوج خیزش امواج انقلاب جبران کنند، تلاش دارند که آن آتش سوزنده ای را که خرمن سرسلسله ظلم و خیانت را سوزاند و میرفت که دیگر حلقه های این زنجیر خیانت وظلم را درکشور نابود کند، خاموش سازند.

با حربه دروغ، ریا و عوام فریبی و شکنجه به مردمی ترین و مبارزترین و پیشروترین نیروهای انقلابی میهن ما می تازند تا آنها را بدنام، منزوی، ضعیف و نابود سازند. یورش سبعانه امپریالیسم و ارتجاع دقیقا حساب شده، ومتناسب با اهدافی است، که برای برگرداندن همه آنها به آسیاب دوران سلطه بی چون و چرای زر و زور و واستگی تام وتمام به امپریالیسم جهانی و در درجه اول امپریالیسم امریکا لازم میدانند.

این مبارزه درخشان سازمان های ما طی سالهای طولانی پیدر بخاطر استقلال و تمامیت ارضی و آزادی و تامین حقوق عادلانه اجتماعی و سیاسی برای زحمتکشان میهن ماست که آماج حملات خشمگین و سبعانه امپریالیسم و ارتجاع قرار گرفته است.

همبستگی عظیم و نیرومند جنبش کمونیستی و کارگری و پیشاپیش آن حزب پرافتخار لنین و سایر نیروهای مترقی و دمکرات و انسانهای شریف در سرتاسر جهان داغ ننگ و رسوایی بر پیشانی پردازندگان اباطیل سیاساخته آن فرو کوبید.

مردم ایران نه در دوران قلدری شاه دست نشانده امپریالیسم آمریکا و نه در دوران عوام فریبان مدعی استقرار "عدل آسمانی" در تشخیص خود نسبت به سازمان های ما دچار سردرگمی نشده و نخواهند شد. پیگردها، بازداشتها، شکنجه ها، شوهای تلویزیونی، زندان های طولانی و اعدامها هیچیک قادر نیست که بر حقانیت سازمانهای پرافتخار ما سایه بیفکند. فرزندان حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هم چنان با سربلندی و افتخار، با پایمردی و استواری، مصمم به دفاع از انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی میهن ما هستند.

رفقای عزیز!

هیچ نیروئی قادر نیست به اتحاد خلل ناپذیر ماخدشه ای وارد آورد و اطمینان داریم که پایه استوار ایدئولوژی ما مارکسیسم- لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و میهن دوستی بی شائبه ووفاداری عمیق به اهداف زحمتکشان میهن این بار نیز یورش پربرمنشانه دشمنان انقلاب را، سازمانهای ما با مقاومتی درخور نام و اهداف خود از سر خواهند گذراند و دشمنان استقلال و آزادی میهن را ناکام خواهند ساخت.

سازمانهای ما آن آگاهی، اراده ونیرو را در خود می بینند که دوش به دوش همه نیروهای مترقی و میهن دوست در جبهه متحد خلق، دفاع از دستاوردهای انقلاب را جامه عمل بپوشانند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران باردیگراین سالروز پرافتخار را به شما همرزمان ارجمند صمیمانه تبریک می گوید.

پیروز باد سازمان برادر ما
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

بهمن ماه ۱۳۶۲

پیام تبریک کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ...

ـه ـه از صفحه ۱۲

پیروزی بزرگ پلنوم هیجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران در آن است که اکنون همه توده ایها موفق گردیده اند با حلقه زدن گرداگرد کمیته مرکزی و تحت رهبری هیئت سیاسی و هیئت دبیران، طبق رهنمودهای آن رزم انقلابی خود را برای خدمت بی شائبه به میهن خویش و مردم زحمتکش کشورو در راه بنای ایرانی آزاد و مستقل و دمکراتیک بازهم گسترش دهند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران بار دیگر این موفقیت بزرگ را به کمیته مرکزی حزب توده ایران، به همه رفقای توده ای و همه انقلابیون راستین میهن تبریک می گوید.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت)

دیماه ۱۳۶۲

کار
ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
اسفند ماه ۱۳۶۲ – دوره دوم
سال اول – شماره ۱ – صفحه ۱۲

پیام تبریک

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت برگزاری موفقیت آمیز هیجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرامی!

با پرشورترین درودهای رفیقانه برگزاری پیروزمندانه "پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران" را شادباش می گوئیم.

در شرایطی که کین توزترین دشمنان ما، برای نابودی حزب توده ایران دیوانه وار نعره می‌کشند، در شرایطی که عمال امپریالیسم و ارتجاع تمام نیروی اهریمنی خودرا برای کوبیدن پیگیرترین میهن پرستان بکار گرفته اند، درست در زمانی که بیدادگاههای سیاه جمهوری اسلامی گروهی از اعضای حزب توده ایران و افسران انقلابی‌ومیهن پرست را به "جرم" خدمت به میهن، انقلاب و مردم به محاکمه می‌کشند، در اوج تهاجمات فاشیستی و ضدبشری حکومت علیه حزب توده ایران، بدون تردید برگزاری پلنوم‌هجدهم پاسخی کوبنده و شجاعانه به تمامی این تلاشهاست.

رهبران جمهوری اسلامی، که به مردم پشت‌کرده اند، تلاش دارند تا همه نیروهای ترقیخواه کشور را به خشن ترین شیوه‌های کهن سرکوب کنند. آنها که راه نزدیکی به غرب‌را می پیمایند و از غارتگری سرمایه داران و ظلم بزرگ مالکان دفاع میکنند، در طی سال گذشته همه حربه‌های جهنمی خود را از زندان، شکنجه واعدام، دروغ، فریب و نیرنگ و هرآنچه در توان داشتند بکار بستند تا حزب‌توده ایران– سنگر مقدم دفاع از انقلاب– را نابودکنند. برگزاری پیروزمندانه و ثمربخش پلنوم هجدهم بار دیگر ثابت‌کرد که آنان که‌خواب نابودی حزب‌توده ایران را می بینندبیهوده دوران شادمانی خود را طولانی پنداشته‌اند.

نقش و تاثیر پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب‌توده ایران نه تنها در زندگی حزب بلکه در تمام تاریخ و در مبارزات‌خلق ما یادگار خواهد ماند چراکه برگزاری این پلنوم در حقیقت شکست توطئه‌های خطرناک امپریالیستی و ارتجاعی برای نابودی حزب‌توده ایران– حزب‌طراز نوین طبقه کارگر ایران– است.

حزب‌توده ایران، حزب‌توده‌های‌زحمتکش مردم ایران است، و از آرمانهای مردم و انقلاب پاسداری می‌کند. کین توزترین دشمنان‌خلق ما،کینه‌توزترین دشمنان حزب‌شما بشمار میروند. به همین دلیل است که برای آنکه بتوانند انقلاب‌را نابود کنند، راه سرکوب‌وحشیانه حزب‌توده ایران را در پیش‌گرفته اند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران اطمینان دارد راهی که حزب‌توده ایران طی میکند، راهی که راه مشترک‌ماست راهی که آرزو و خواست‌و آرمان همه زحمتکشان و انقلابیون راستین میهن ماست، با استواری و قاطعیت‌ادامه می یابدو به پیروزی دست‌خواهد یافت.

بقیه درصفحه ۱۱

تلگرام تسلیت کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بمناسبت درگذشت مبارز خستگی ناپذیر راه صلح و سوسیالیسم

رفیق یوری ولادیمیرویچ آندروپف

رفقای گرامی!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران تاثر و تاسف عمیق خود. را از درگذشت رفیق یوری ولادیمیرویچ آندروپف دبیرکل کمیته مرکزی حزب‌کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورایعالی اتحادشوروی، ابراز میدارد.

مبارزه پیگیر در راه حفظ صلح جهانی، تلاش خلاقانه برای تعالی سطح رفاه‌وبهروزی خلق شوروی و کوشش در راه تحکیم همبستگی خلقها در مبارزه‌ٔ مشترک‌علیه امپریالیسم، کارنامه برجسته زندگی پربار اوست. هم از این روست‌که فقدان رفیق آندروپف، ادامه دهنده راه لنین کبیر برای بشریت ضایعه ای سنگین است.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران، درگذشت رفیق یوری ولادیمیرویچ آندروپف را به کمیته‌ٔ مرکزی حزب‌کمونیست و مردم اتحاد شوروی تسلیت می‌گوید و اطمینان دارد که آرمانهای عمیقا انسانی و ترقیخواهانه‌ٔ او همچنان به پیش‌خواهد رفت.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت)

۲۳ بهمن ماه ۱۳۶۲

آدمی با سر افراشته باید بزید
و سر افراشته باید میرد
و به دشمن سر تسلیم نیارد در پیش
وانهد در ره آزادی خلق
همه هستی خویش

گرامی باد یاد شهدای اسفند!
فدائیان خلق:

- مجید احمدزاده هروی
- مسعود احمدزاده هروی
- بهروز آخوندی
- جعفر اردبیلچی
- علی‌نقی آرش
- سعید آریان
- بهمن آژنگ
- بهنام امیری دوان
- یحیی امین نیا
- جلیل انفرادی
- هادی بنده‌خدالنگرودی
- صنا بیژن زاده
- محمدعلی تقی زاده
- عبدالکریم حاجیان سه پله
- محتبی خرم آبادی
- عباس دانش بهزادی
- ناصر سیف دلیل صفایی
- محمد ربیعی
- اسکندر رحیمی مسیحی
- حسن سرکاری
- مهدی سوالوتی
- سیدکاظم شهیدی ثالث
- علی‌اکبر صفایی فراهانی
- علی‌اصغر غرب‌هریسی
- اسماعیل علی پناه
- هادی فاضلی
- احمد فرهنگ
- مناف فلکی تبریزی
- عبدالرضا کلانتر نیستانکی
- غلامرضا گلوی
- علی مرادی
- محمدعلی محدث قندچی
- شجاع‌الدین منیری
- اسماعیل معینی عراقی
- اسدالله مفتاحی
- عباس مفتاحی
- اکبر موءید
- علی‌رضا نابدل
- هوشنگ نیری

پررهرو باد راهشان،
جاودان یادشان

پیش بسوی جبهه متحد خلق